



# مذاکرات مجلس شورای ملی

صورت مشروح مذاکرات مجلس روز یکشنبه ( ۴ ) اسفند ماه ۱۳۴۷

فهرست مطالب:

- ۲ - ادامه مذاکره در کلیات گزارش کمیسیون بودجه راجع به بودجه سال ۱۳۴۸ کل کشور .
- ۳ - تعیین موقع جلسه آینده - ختم جلسه .

۱- قرائت اسامی غائبین جلسه قبل .

مجلس در ساعت چهار بعد از ظهر بر ناست آقای عبدالله زبانی تشکیل گردید

۱ - قرائت اسامی غائبین جلسه قبل

دکتر عاملی - جناب آقای رئیس، همکاران ارجمند من در آغاز خیلی سیاستگرایی میکنم از اینکه با آنچه وقت و لطف و حوصله مطالبی که عرض میکنم توجه فرمودید و امیدوارم از این لطف و حوصله استفاده نکنم و مطالبی را که هست فشرده تر بعرض برسانم اگر مجربانه امور این وعده را میفرمودند و تذکری که صبح عرض کردم عملاً بکار میبردند و در دستگاہهای خودشان قسمتهائی را پدید میآوردند که وظیفه این قسمتها گرفتن پیشنهادهای، تنظیم کردن پیشنهادهای و بکار بردن پیشنهادهای باشد گذشته از آنکه تمام مخارج سمینارها و کنفرانسهای و کنگرهها و مسافرت های جهانی و این قبیل هزینهها بهره برداری صحیح بعمل میآید هر کس اطمینان میکرد به اینکه اگر پیشنهاد خودش را روی یک ورقه کاغذ بنویسد و بفرستد یا در روزنامه ای منعکس بکنند در آن دستگاہ راننده پیشنهادها گرفته خواهد شد و بموقع اجرا گذاشته خواهد شد در مورد مسائل آموزش و پرورش

رئیس - اسامی غائبین جلسه قبل قرائت میشود ( شرح زیر خوانده شد )

غائبین با اجازه - آقایان :

- اخلاقی - اهری - تهرانی - دکتر خیراندیش -
- ریگی - دکتر سئوده - کریم بخش سعیدی - صادق سمعی - دکتر عظیمی - فخر طباطبائی - مرندی -
- مهندس معتمدی - مهرزاد - دکتر معظمی .

غائبین مرض - آقایان :

- پرویزی - سعیدوزیری - سلیمانی کاشانی - دکتر صیالی - فیاض - دکتر قهرمان .

۲ - ادامه مذاکره در کلیات گزارش کمیسیون بودجه راجع به بودجه سال ۱۳۴۸ کل کشور

رئیس - کلیات لایحه بودجه سال ۱۳۴۸ کل کشور مطرح است آقای دکتر عاملی تشریف بیاورید

توضیح نمیداد عرض کردم این بود که ما اگر يك تحول اساسی در امتدادی که از مفهوم آموزش داریم بوجود نیابیم آموزش از جهت کیفی مسأله انقلابیست حمل نمیشود بداند که تنها برای این سیستم ها و خدمتی که موجود است میتوانیم سازمان های آموزش بوجود بیاوریم و چون بین این دو سیستم یعنی سیستم تولید و خدمت از یکطرف و آموزش از طرف دیگر خود بخود در جامعه تعادل برقرار خواهد شد بنابر این به این نتیجه میرسیم که سیستم آموزش کنونی نتیجه يك تعادل خود بخود در سیستم کار و تولید مملکت است و اگر نخواهیم در این سیستم تحول انقلابی ایجاد کنیم تنها در چهارچوب آموزش نیاید باشد بلکه در چهارچوب کار و تولید هم باید تغییراتی بدهیم چون آموزش يك محور اصلی انقلاب ماست و یکی از اصول ۱۲ گانه انقلاب ماست و شاید معنی و مفهومش این باشد که ما صبر نمیکنیم تا سیستم های تولیدی و خدمات اجتماعی ما رشد بکنند و نیازمندی های آنها مشمول سیستم آموزش را ایجاد بکنند بلکه خصوصیت انقلاب ما اینست که جمیع تحولات را در آینده پیش بینی نکنیم بنابر این باید آموزش را به تبع خدمت و کار فردا تحول ببخشیم و بلکه يك مقدار از برنامه هایی که میباید در سازمان های اجتماعی ما در فرمایشی های اجتماعی ما تحول از نظر خدمت و تولید ایجاد بکنند این را باید در برنامه سیاست آموزش خودمان قرار بدهیم (صحیح است) این خلاصه ای است از آنچه صبح عرض کردم و این اساسی است که به استنباط ما بنابر انقلاب آموزش است بهمین جهت من یکی از برنامه هایی را که اخیر اطلاع پیدا کردم که وزارت آموزش و پرورش به آن دست زده است باید با ستایش در اینجا یاد کنم و آنهم قرارداد هائی است که وزارت آموزش و پرورش با مؤسساتیکه احتیاج به خدمت دارند، احتیاج بکارگر متخصص، سرکارگر متخصص تکنیسین ماهر دارند منعقد کرده است و برای آنها بكم مؤسسات حرفه ای خودشان متخصص تربیت میکنند این يك برنامه صحیحی است این يك قسمت استنباط صحیح از مفهوم انقلابی آموزشی است یعنی مدرسه حرفه ای کار نمیکند برای يك سر نوشت نامعلوم بلکه با پیوندی

که مثلا با ژاندارمری پیدا کرده با ماشین سازی تربیت پیدا کرده است سیستم آموزش حرفه ای کار میکند برای يك سر نوشت معلوم تکلیف فارغ التحصیلش هم معلوم است و بین دو سیستم کار و آموزش يك رابطه و پیوند منطقی برقرار شده است همین را اگر بعنوان نمونه بگیریم و در تمام سطوح آموزش بسط بدهیم آنوقت میتوانیم بگوئیم که يك عمل انقلابی دست زده ایم یعنی اول برای تمام مؤسساتی که احتیاج دارند بنا قرارداد های دستگام آموزش پرسنلی، تربیت میکنند شما تا چند سال دیگر در مدت بسیار کوتاهی، در آن زمانیکه در نظر گرفته باشید، میدانم در چه زمانی، در زمانی که در نظر گرفته باشید تیمه های اجتماعی کشاورزان را پیاده کنید احتیاج دارید که صدها طبیب هزارها پرسنل دیگر فنون پزشکی از قبیل ماما، پرستار، بهیار، تکنیسین رادیولوژی و تکنیسین های فنون دیگر آزمایشگاه و غیره و غیره تربیت کنید بنابر این این سیستم یعنی سیستم بیمه اجتماعی کشاورزان که خوشبختانه با بدبختانه ۶۰ تا ۶۵٪ جمعیت ایران را در بر میگیرد یا سخکوی خدمات درمانی آنها باید باشد و از همین امروز باید با مراکز آموزش پزشکی يك رابطه و پیوند منطقی برقرار کنیم و این آموزش پزشکی شما را بطرف آموزش ملی میبرد یعنی آموزش از صورت خودرونی خارج میشود از صورت انفاقی خارج میشود، بخشها بر اثر اتفاق و بر اثر سلیقه بوجود نمیآیند باین دلیل بوجود نمیآیند که امروز در دنیا يك زمزمه ای هست و همه جا میخواهند پیوند قلب بکنند، ما هم میخواهیم، مثل اینکه میخواهیم پیوند يك عقده حقارتی رو تسکین بدهیم زود رفتیم که از این طرف و آن طرف يك تیم تشکیل بدهیم که پیوند قلب بکنیم، این نشد برنامه. این يك برنامه نمایشی است، اگر برسیم راجع این موضوع بحث میکنیم، اجازه بدهید در همین جاسخت کنیم برنامه ای هست در عموم زمینه ها ولی در زمینه آموزش اثر بدارد و آن تابعیت کردن از يك برنامه نمایشی است که چون فلانطه چنین چیزی دارند ما هم باید داشته باشیم که اتفاقاً بهترین نمونه اش همین مسأله پیوند قلب است، پیوند قلب یکی از اعمال است یکی از اعمال متخصصینی

است که بروی بیماران قلبی کار میکنند آنچه که نمایشگر پیشرفت و ترقی در يك کشور است، اینست که سازمانهای علمی و تحقیقی آن با اندازه ای بسط و رشد پیدا کرده باشد که میتواند يك چنین تیمی داشته باشد که در سطح کلی، به نیم پیوند قلب بکنند بلکه تمام اعمال قلب بازرگانه معمولی است انجام بدهند، در قبال آن تمام اعمال معمولی را که مربوط به جراحی قفسه سینه است انجام بدهد يك چنین سازمانی برای هر کشوری لازم است ما هم باید اقرار کنیم که چنین سازمانی داریم، همین دانشکده پزشکی تهران سالها است بطور سجهز منتهی بدون سروصدا کار میکند این مسأله پیوند قلب درست است که امکانش در روزنامه ها و از لحاظ خبری و نمایشی زیاد است یعنی این به تنهایی دلیل پیشرفت هیچ کشوری نیست، یعنی کشوری باشد که یا سخکوی اعمالی حتی نظیر آپاندیسیت نباشد، مریض فقی او در گوشه مریضخانه بیقید و کارش بمردن بکشد ولی این کشور بعنوان يك عمل نمایشی عمل پیوند قلب بکند مریض هم بکشد و بعد با یکماه بعد با یکسال بعد بپیرد این يك کشور مترقی نیست، ترقی باید بشکل نهادی در ملت باشد نهادهای ترقی و پیشرفت باید باشد در این زمینه ها باید يك عقل سلیم و منطقی باشد تا مبنی نیازمندی های کشور هم را با کارهای تحقیقاتی و تخصصی اینها با هم عین شوند پیوند بخورد و يك برنامه ای در سطح معقول ایجاد بشود. الان مسأله پزشکی این نیست که پیوند قلب بکنیم یا نکنیم و اگر يك پیوند قلب بکنیم این هیچ چیزی را نشان نمیدهد اما مسأله پزشکی ملی میدانید صحبت مسأله پزشکی ما اینست که ما باید دارای آنچنان سازمانهایی باشیم آنچنان در مانگاههایی باشیم آنچنان بیمارستانیهای عمومی باشیم که ایجاد آنجاها که صحبت هست صحبت وطن ماست آنجا میتواند یا سخکوی مردم باشد یا سخکوی دردهای مردم باشد این چنین سیستمی باید آموزش را بدنیال خودش بکشد نیازمندی روستاهای شما با بدنیالهای شما دانشکده پزشکی را تنظیم کنند، نیازمندی بخش های شما باید برنامه های آموزش پزشکی را تنظیم کنند، سال گذشته در اینجا يك لایحه ای آوردید که كمك مامائی روستائی تربیت کنید با كلاس تحصیل، هر چه گفتیم صحیح نیست نشد گفتند روستاهای ما نیاز دارند، نیاز روستاها را قبول

داریم، ولی کجا این مسأله را بحث کردید که تمام مسؤولین پزشکی کشور را بیاورید دوره بنشانید و بگوئید که این کشور به جدی احتیاج دارد چیزی شبیه شده که بعد از ۵۰ سال که سیستم های آموزش پزشکی جدید مامائی جدید در این کشور بوجود آمده سال گذشته مجبور شدیم عنوان که مامائی روستائی را اختراع و جعل کنیم و کسی را که ۶ کلاس درس خوانده و وظیفه ای باو بدهیم که يك وظیفه طبی را انجام بدهد، خود این قابل بررسی بود اگر يك سیستم های از شرک و ارزش باب بود خود این کیفیت را باید بررسی بکنند، از يك طرف میگوئیم دیپلمه یادی است ولی از يك طرف میآئیم اختیاری را که هیچ کشوری دیپلمه ها نمیدهد، بدهیم به ۶ ابتدائی چون تلیق بین نیازمندیها و برنامه های آموزشی نیست همینقدر که این اضار را قبول کنیم که برنامه های آموزشی نباید تابع لوکس باشد نباید بگوئیم يك گروه لازم داریم که يك کارهای را در سطح بالا انجام بدهند يك گروه قلب برای این کشور شاید کافی باشد، شما خیلی از کشورهای پیشرفته امی بیست و نه در رشته هائی از تحقیق، بکنند بیشتر ندارند؛ اینهمه غوغای پیوند قلب شد شما بسیاری از کشورهای طراز اول را می بینید که حتی خیر هم منتشر نکردند که ما زور کی یکی را از خیابان بگیریم و قلبش را پیوند بترسیم (بکتر فریور آنوقت ۶۰ هزار نفر از سر خک بمیرند) (خسروی - در نقطه اشتباه نشد؟) ( فولادوند - قلبها را بهم پیوند بدهید این صحبت هارا نکنید) (حالا در رقم با هم بحث نکنیم، در رقم بحثی نیست يك بحث کلی تری است و چنین پیوندی اگر برقرار بشود در تمام سطوح بین نیازمندیهای کشور و مراکز آموزش، آنوقت مسأله انقلاب آموزش را میتوانیم بگوئیم يك کلیدی برای حلش پیدا کرده ایم وقتی چنین نتیجه ای حاصل بشود يك نتیجه دیگر میرسیم باین نتیجه که در بسیاری از نقاط چون آموزش تابع جمعیت است فشاری که بر آموزش هست فشار جمعیت است چون جمعیت را بدون مدرسه نمیتوانید بگذارید در با روزه باید قبول کنید که افراد لازم التعلیم باید مدرسه داشته باشند، عاملی که حجم آموزش را تعیین میکند، ناشی از جمعیت است در خیلی جاهای کشور هنوز باقی

در حد از رشد اقتصادی نرسیده ایم که اگر هم پرسند آموزش دیده‌ای داشته باشیم، بتوانیم از وجودش استفاده کنیم پس يك اصل دیگر در انقلاب آموزشی ما باید باشد که با مقدار باید در ایجاد کار با هم گذاشت هر دو روش سیاست آموزشی یعنی مجموعه دستگاه‌هایی که آموزش را اداره میکنند. مثال عرض بکنم در يك شهری مثل مهاباد که حوزه نامندگی من هست اگر در آن شهر مدرسه حرفه‌ای هم داشته باشیم کانون‌های کار در شهر نیست فرض کنید يك دسته از مهابادی‌ها را بیاورید در بهترین مراکز ایران با جهان و اینهارا تبدیل کنید به متخصص برق یا درودگری و انواع و اقسام تخصص‌هایی که در حدود کارهای حرفه‌ای است و اینها برگردند به مهاباد در آنجا کار ندارند پس برنامه آموزشی مهاباد نه تنها باید طرح مدرسه‌های حرفه‌ای را بگذارد، طرح يك کانون‌هایی را برای کار و تولید، ضمن همان برنامه‌های آموزشی باید بگذارد اینها را از هم جدا نباید کرد. آنجا مرکز بزرگی است برای کارهای دامپروری کشور، مرکز بزرگی است جایی است که با سد شاهپور اول آبیاری خواهد شد، اراضی بسیار مستعد بسیار قابل و دارای سکنه چون در کشور جهانی این اراضی هست که مستعد است ولی به نسبت مدحتش جمعیت ندارد، طرح‌هایی هم برای کشاورزی و صنعت داریم مجربش هم وزارت آب و برق است در موقع خودش هم تذکراتی داده شد اگر این واحدهای کشت و صنعت سازماندهی داخلی یا خارجی بروند آن نقاطی که زمین مستعد هست جمعیت کم است این هیچ اشکالی ندارد زمین صحت يك منطقه‌ای مثل مهاباد با دهستان‌هایی که از آب بسیار آبیاری میشود ایجاد میکنند که ما این منطقه همان فرمول انقلابی خودمان آباد کنیم، که اهالی همی آنجا برگزین نشوند زمین‌های خود را بیک واحد کشاورزی و صنعتی احیاناً خارجی بفروشند و يك منطقه‌ای به منطقه دیگری بروند. باید اینها با همان سرمایه و موجودیت خودشان بسج و تجهیز بشوند و در اینجا شروع کنید بکار و این را میدانم که در دنیا قطب‌های عظیمی هست که صنعت کشاورزی دارد یعنی از حد کشاورزی گذشته، تکنولوژی کشاورزی دارد با يك

مدیریت بسیار قوی اداره میشود از جمیع وسایل فنی پیشرفته استفاده میکنند يك چنین مدیریتی را يك چنین سرمایه‌گذاری را باید در يك جایی مناسب نمود عرض بکنم مثل مهاباد که آب سد بر آن سوار میشود در قالب يك شرکت سهامی زراعی پیاده کرد، و يك کانون جدید تولید بوجود آورد و تکنولوژی جدید ایجاد میکنند که يك کشاورز جدید بوجود نیاید يك کشاورزی که طرز کبارش با کشاورز امروز فرق دارد دیگر منتهای دیدش تراکتور نیست بالاتر ببینند، سیستم آبیاریش شاید اتوماتیک باشد میدانم بیشتر از این چه هست بهر حال مثل پیشرفته‌ترین مناطق دنیا باشد يك واحد شرکت سهامی زراعی در این شرکت در این مرکز يك سرمایه‌گذاری قوی و غنی ایجاد کنید، نوع جدید کشاورز بوجود بیاورید در کنار این واحدی که خودش نمونه است يك آموزشگاه کشاورزی نوین هم بوجود بیاورید که اگر يك کشاورز رفت در آنجا درس خواند و گفت عاقبت من چه میشود بگوئیم عاقبت تو مثل آن آدمی میشود که در این شرکت سهامی زراعی انقلابی کار میکند اگر گفت چرا نباید اینقدر ریاضیات بخوانم. فیزیک بخوانم بسا بگویند برای اینکه آن آدمیکه در آنجا دارد کار میکند با يك دستگاه‌های فنی کار میکند برای اینکه تو هم بتوانی با آن دستگاه کار کنی باید هم ریاضیات بخوانی و هم فیزیک بدانی يك چنین مدرسه‌ای آتوق میشود مدرسه واقعی کشاورزی مدرسه حرفه‌ای کشاورزی کشاورزان هم استقبال میکنند میروند با آنجا برای اینکه کارش نتیجه دارد، عاقبت دارد حرفه‌ای بدون عاقبت ایجاد نکنید هر حرفه‌ای باید با کارش ایجاد شود در همین منطقه مهاباد، طبیعت، طبیعت دامپروری است، طبیعت دامداری است شما وقتی بمناطق کرد نشین غرب تشریف می‌برید یکی از چیزهایی که خیلی بارز بچشم می‌خورد این است که درخت گندم است چرا درخت گندم است میگویند کوسفند با درخت نمیسازد من کار ندارم که میسازد یا نمیسازد این بحثی است جدا و این خودش نمودار این است که در این صفتیات زندگی با دامداری همراه بوده کار و تولیدشان دامداری است طبیعت

نضای این را دارد مردمش آشنائی را دارند چندی پیش من یکی از مسئولین اقتصاد کشور مراجعه کردم گفتم که شما موضوع این مناطق کرد نشین غرب بخصوص آذربایجان غربی را میدانید و از مشکلات اقتصادی آنها با خبر هستید؟ بد کاری کرد، که ما خبر داشته باشیم و بتوانیم به مردم نشارت بدهیم ایشان گفتند که من تنها نمیتوانم کار کنم چون آن کار باید از کشاورزی شروع بشود، از دامپروری شروع بشود و این هماهنگیهای کشاورزی و دامپروری تا در آنجا ایجاد نشود، من نمیتوانم بیایم، فرض کنید يك سرمایه‌گذاری دولتی یا غیردولتی را با آنجا گسیل دارم در منطقه‌ای که مثلا شیر پاستوریزه بخواهند ایجاد کنند ما دام وجود نداشته باشد شیر وجود نداشته باشد پس این برنامه اقتصادی ما باید هماهنگ شود با يك برنامه کشاورزی و دامپروری و آنها از يك طرف شروع بکنند و ما از طرف دیگری و بسا هم بيك نقطه‌ای برسیم که بتوانیم به منطقه تجزید حیات اقتصادی بدهیم يك واحد دامپروری، دامپروری با پیشرفته‌ترین وسائل فنی ایجاد شد در کنار این هر کرد دامپروری شما نمیتوانید يك مدرسه‌ای هم که تکنیسین‌های دامپروری را برای شما تربیت کند بوجود بیاورید ولی اگر آن مؤسسات را بوجود بیاورید تکنیسین نداشته باشید ضررهائی را می‌دهید که در پیشرفت‌ها می‌دهید غلظت را که می‌برسیم میگویند پرسنل نداریم اگر قدری و پرسنل را داشته باشید ولی سازمان‌هایی که کار کنند نداشته باشند ناچار آن مدیر فنی ناگزیر است برود ثباتی کند ضابطی کند دفتر نویسی بکند برای اینکه بتواند امرار معاش کند پس این دو کیفیت باید با هم بیاید آموزش در هیچ منطقه‌ای نمیتواند جدا از ایجاد کردن کار باشد و این کار ایجاد کردن نباید با مقتضیات هر منطقه تطبیق بکنند مثال دیگری را عرض میکنم در غالب مناطق ایران امروز کم‌تر پیش کار کردن تراکتور با ماشین‌های کشاورزی دیگر متداول است ولی در همین منطقه‌ای که من اطلاع دارم يك تعمیرگاه برای تعمیر تراکتور وجود ندارد شما که می‌خواهید مدرسه حرفه‌ای ایجاد کنید حتماً در فکر آن باشید که

الگوی تمام مدارس حرفه‌ای در تمام کشور یکی باشد و چون مدارس حرفه‌ای حتماً باید رشته و شعبه داشته باشد آنرا هم که میخواهید در مهاباد بسازید چهار رشته و چهار شعبه داشته باشد نداشته باشد يك مکتب خانه حرفه‌ای در مهاباد بسازید يك کارگاه بسازید کارگاه تعمیر تراکتور و يك آدم ورزیده و فهمیده وارد و بلد را بفرستید آنجا که در جاش هم بالا باشد و آن مرکز کارگاه را اداره بکنند اول تراکتور مردم را تعمیر بکنند و بعد نشان بدهد که این کار یول ساز است این کار در آمد دارد ۱۰ نفر شاگرد زیر نظر آن آدم درس بخواند يك مدرسه حرفه‌ای بوجود آمده در کنار کانون تولید، با يك نمونه بارز و درخشان که سود آور است و منقعت میدهد که مردم هم از آن استقبال میکنند و واقعاً بآن احتیاج دارند و آن متخصص کار رفته در آنجا تراکتور تعمیر میکند، میدانم که فردا میرود در میاندو آب، در نرده، در خانه همان نمونه کار گاهی را که دیده دولت ایجاد کرده نمونه همان مکتب خانه حرفه‌ای را در جغای دیگر باز میکند هم خود را اداره میکند، هم بموقع خود چند شاگرد دیگر را تربیت میکند و این شاگردان را شب تبرید نوبی کلاس و تاریخ می‌نشان را بگویند برای آنها حساب بگویند برخیکه لازم فن و شغلشان است از لحاظ تئوری با آنها یاد بدهید، دو ماه سه ماه تابستان ببرید در مرکز دیگر هر چه لازم حرفه و شغلشان است با آنها یاد بدهید این آدم هم کار میکند هم پیوند با کار دارد و هم بعد از مدتی بيك منحصی برای شما تبدیل شود پس نفر مائید که نمیشود، نفر مائید که چه جور و کجا میشود این کارها را کرد در برنامه آموزش همینهاست شما در هر بخش و در هر واحدی که در نظر شما يك واحد آموزشی محسوب میشود مسأله آموزشی را باید با مسأله کار پیوند داده و با یکدیگر حل کنید، اینگونه راهنمائی‌های ما غالباً با يك اعتراض خیلی جدی برابر میشود آنها هم تأمین منابع مالی است ما میگوئیم آموزش میخواهیم برای تمام جمعیت برای تمام رده‌های مملکت تا حدی که این جمعیت را قادر کند، ما هر وقت قابل کند برای يك خدمتی حالا با در سطح عام با در سطح متوسط

چنین سیستم آموزشی ملی است غالباً میگویند که اگر چه چگونه باشد اعتقاد ما این است که يك چنین سیستم آموزشی باید در مملکت بوجود آید هنوز چنین اعتقادی در رده های اجزا کنشده ما بوجود نیامده من امیدوارم شما این را در حزبتان بحث کرده اید یا نکرده اید من امیدوارم ولی جامعه هنوز این استنباط را نکرده است که حکومت حزبی شما قائل به اشتراک و چنین سیستم آموزشی است اولین چیزی که باید ایجاد بشود همین است این اعتقاد را اگر داشتید منابع مالی را کشف میکنید و منابع مالی میتواند این برنامه را تقویت کند اول آن چیزی که به نگرانی توصیه رهبر انقلاب ما بوده است یعنی سیستم بیمه های همگانی آموزشی این یکی از آن روش ها است من این نکته را صریح عرض کرده ام حالا هم تکرار میکنم انقلاب نه تنها باید يك آرزوهای را مطرح بکند بلکه باید آرزوهای را با آن واقفیت مطرح بکند که مردم حاضر باشند برای انجام آرزوها و آرزوهایشان از خدمتشان مایه بگذارند (عباس میرزائی - رهبر شما که نیستند گوش بدهند شما صبح بود که بد آقاي مهندس ارفع اعتراض داشتید که ایشان نیستند) فعلا شما گوش بدهید (عباس میرزائی - ولی شما هنوز از پیاده بیرون نیامده اید) بلکه قسمت اول بیمه ها است این بیمه ها يك قسمت از درآمد مردم را کسب خواهد داد بان چیزهایی که آرزوی ایشان است به چیزهایی که بهر زحمتی باشد برای رسیدن بان تلاش میکنند و بان میپردازند شما امروز از يك موهبت بزرگ برخوردار هستید که هرگز این موهبت را نباید نادیده بگیرید و آن این است که در این کشور در نقطه ای از کشور خانواده ها از هر طبقه که باشند حاضرند بیشتر بن رقم درآمدشان را برای پرورش و تربیت فرزندان شان بپردازند این يك موهبت خیلی بزرگی است اینکه صد ها هزار ها درخواست تلگراف بطرف وزارت آموزش بطرف سایر مقامات میرود که میخواهند در اقصی نقاط این کشور دبستان یا دبیرستان داشته باشند و تا زکی رواج پیدا کرده در شهرهای بزرگ در مراکز بزرگ از شما دانشگاه میخواهند این بودار این است که اینها اشتیاق

به پیشرفت دارند ، نهاد پیشرفت در این اجتماع هست ، در همه گروهها هست بنابر این خیلی منطقی خواهد بود که آنها به بینند که شما سیستم های آموزشی را واقعا استقرار بدهید همان را که امروز دارند پای فرزندانشان خودشان صرف میکنند حاضرند به صندوقهای تجویب بدهند که شما برای تامین منابع مالی آرزوهای آنها ایجاد میکنید اینها حاضرند هزینه بیمه های اجتماعی و آموزشی را بپردازند کارگرانی که امروز از زنان شبان میگذرد و بچه های خودشان را بمدرسه میفرستند و یا سایر گروهها من اینجا بکمال صراحت عرض میکنم که هزینه تحصیلی در ایران به نسبت در مداخلت خانواده ها گران است ولی این هزینه گران را تحمل میکنند و بهر قیمت که شده آنرا میپردازند، دردها اگر مدرسه بدهید میپردازند ولی چرا فقط این مالیات را، این مالیات است زیرا مالیات عبارت از اختصاص دادن قسمتی از درآمد عمومی، پس این مالیات است. این جنبه مالیات دارد. شما این را در دفتر دبستان یا دبیرستان خصوصی از مردم وصول کنید یا در مرکز پرداخت مالیات فرق نمیکند آنچه را که من برای تحصیل فرزندم میدهم مالیات است و این مالیات را مردم میپردازند منتهمی این مالیات را فقط آنها میپردازند که فرزند دارند در صورتیکه اساس بر این است که مالیات ز آن کسانی باید بپردازند که درآمد دارند. مالیات فرهنگی برقرار کنید بیمه آموزشی برقرار کنید کمک بگیرید. میفرمائید چطور؟ در موقع دفاع از لایحه مربوط فرمودید که از منابع طبیعی جنوب سالی سیصد هزار تن برداشت میشود اگر درست بهره برداری بشود برابر نفت درآمد دارد و شیلات شمال هم همینطور در بودجه امسال آنچه را که شیلات شمال بدرآمد عمومی میداد تقلیل دادید، لابد برای این است که سالی بعد این منبع درآمد ملی تقویت بشود و بتواند درآمد بیشتری را بدهد از بابت شیلات جنوب که هنوز چیزی در بودجه نگذاشتید وزیر مسئول شما هم که گفته است بقدر نفت درآمد دارد، بیائید دو کلمه نوب همین بودجه

شوسید با هر لایحه دیگری میخواهید بیابرد که در آمد شیلات جنوب که فکر بنامه گفته وزیر مربوط بر نفت است این را صرف برنامه های آموزشی کنید و به هیچ برنامه هایی هم رابطه نمیزند، اینها منبای نمونه است. اساس این فکر است که هر گاه قبول کردید که يك چنین سیستمی باید در مملکت استقرار پیدا کند آنوقت قبول خواهیم کرد که بخاطر استقرار سیستم آموزشی ملی باید تمام منابعی که امکان دارد بسیج بشود مالیاتهایی بگیرید اما نه مثل ۳۰٪ فرهنگ و بهداشت که سالها از کارمندان دولت گرفتار ما کارمندان دولت نه از مزایای آموزشی برای فرزندان خود برخوردار شدند و نه از خدمات بهداشتی و درمانی خاص. تصور نباشد، واقعی باشد جدی باشد، يك مفهوم انقلاب، جدی بودن آن است یعنی آن چیزی را که میگویند بجز قیمت که هست انجام دهند. والا اگر قرار باشد که چیزی کلمش پایش را دراز بکند و بقدر درآمد عادی که دارد هزینه بکند اینکه دیگر انقلاب نمیخواهد هر چند بول داشتیم بقدر آن برنامه های را اجراء میکنیم پس چرا میگوئیم انقلاب، در انقلاب يك بعد باید وجود دارد. تمام انقلابهای موفق دنیا در آن زمینهای که اعلام برنامه انقلابی کردند از بعد باید استفاده کردند در همین ایران هم اینطور شد. اصل خلق بود از خودالزم ارضی مر غیر ممکن مینمود. هر وقت میگفتند باید این کار را کرد میگفتند هزینه نقشه برداری هوایی از حالا تا بیست سال دیگر قابل تامین نیست ولی وقتی که امر شد انقلاب بعد باید وارد عمل شد و اینکار شد و برنامه هم پیاده شد در انقلاب آموزشی آن بعد باید کدام است در این برنامه ها نشان بدهید؟ آن چیزی را بما نشان بدهید که شما تمام کشور را زیر يك چتر آموزش ملی خواهید آورد و هر فرد لازم التعلیم را تعلیم خواهید داد، آن کدام است؟ (بزرگبوی - مدارس ملی است) پس قبل از هر چیز باید آن دید انقلابی، اعتقاد به پیاده کردن برنامه های انقلابی پیدا بشود تا آن نیروی محرکه که بتواند که از نیستی

چیزهایی بوجود بیاید، چیزهایی که در واقع هست ولی در امکانات دستگاههای اجرائی نیست ولی با يك حرکت انقلابی بوجود میآید. خوب اینها با صلاح سطح آرزوهای بود، حال بپردازیم به بعضی از خصوصیات سیستم های آموزشی موجود این مسأله را یکبار عرض کردم تا گزیرم آنرا تکرار کنم برای اینکه متأسفانه هیچ توجهی باین مسأله نشده ما نباید در يك کشوری که دم از انقلاب آموزشی میزنیم، دو سیستم آموزشی داشته باشیم، سیستم خصوصی آموزشی و سیستم دولتی آموزش. تجربه های تلخ مادر وجود این دو سیستم که با هم پیوند دارند این است که سیستم خصوصی با خون سیستم عمومی تغذیه میکند (صحیح است) دستگاههای خصوصی شما از امکانات عمومی، از معلمی که بوسیله دانشی راهی دولتی تربیت شده و موظف است در مدارس دولتی درس بدهد ایجاد میشود و میگردد چه بسیار کسانی که در عنوان فعالیت و کوشش میآیند بخاطر اینکه با هدایت سیستم آموزشی شما بدنبال درآمد بیشتر میروند خودشان را بازنشسته میکنند و میروند گروه فرهنگی خصوصی تشکیل میدهند همیشه در مدرسه ها يك شائبه ای وجود داشت که میگفتند معلم هایی که بشاگردها خصوصی درس میدهند، لاف در ذهن دیگر شاگردان ایجاد توهمی میکند، که بین او و بین تبعیض ایجاد بکنند ولی امروز میبینیم که آموزش شما مدارس خصوصی را در کنار مدارس عمومی قرار داده و بشد ریج آنها را با نیروئی که باید صرف سیستم دولتی بشود تغذیه میکند. شما در همین شهر تهران نگاهی کنید فقط به دبستانها. يك سیر صعودی رشد و توسعه سیستم دولتی داشتیم تا آنجا که مدارس نو بنیادی بوجود آمد مدرسه نو بنیاد، فردوسی، سعدی، حافظ، نظامی اینها هنوز که ما خیلی خودمان را نسبت به ۲۰، ۳۰، ۴۰ سال پیش پیشرفته میدانیم نتوانسته ایم دبیرستانهای با بن عظمت و خوبی بسازیم، دبستانهایی ساخته دبستانهایی اعم از خصوصی و عمومی در سالهای بعد ساخته شده، دبستانهایی مثل فردوسی کوه پیکر است نتیجه چه سیاستی بوده نتیجه سیاست تقویت سیستم دولتی سیستم دولتی، از اعتبار از حیث و

آر و بر خوردار بود، میگویند اگر میخواهی بللی بخوری و بیکار بگردی برو مدرسه ملی و لنگر بگیر میخواهی درس بخوانی برو مدرسه دولتی شاگرد بچشم خود میدبدمدرسه ملی در بفرقهها تشکیل میشد و دستانهای دولتی تو بنیاد بود که با مثل امروزی ما هنوز بزرگ است، ما آمدیم جهت این سیاست را عوض کردیم به تقویت دستگاههای خصوصی پرداختیم تعلیمات عمومی و دولتی را ضعیف کردیم امروز ببینید چه شایعاتی است ببینید مردم چه میگویند: مدرسه خوب، آن مدرسه ای است که شاگردانش در کنکور قبول میشود، مدرسه خصوصی است اگر بروی مدرسه دولتی درس بخوانی نمیتوانی بروی کنکور بدهی نه دستانتها را نگاه کنیدی، مدرسههای نصف وقت و ناک وقت داریم در حالی که مدرسه خصوصی که بالاخره از جیب این مردم تغذیه میشود، برنامه منظم دارد، درس اضافی دارد، درس خارجی دارد، صبح و عصر با نظم و ترتیب کار میکند مدرسه دولتی شما محکوم است باینکه یک دسته از شاگردانش صبح بروند مدرسه و عصر بروند بگردند و یک دسته عصر بروند مدرسه و صبح بروند بازی کنند، آنهم کجا، توی کوچهها، توی خالکها، توی آبهای لجن آلود، این صحیح است؟ این سیستم آموزشی که بدو شعبه خصوصی و عمومی تقسیم شده صحیح است؟ این محسول انقلاب ماست؟ شاگردان اینها فردا بهم چه خواهند گفت در بسیاری از کشورهای دنیا که سیستم مدرسه طبقاتی برقرار بود سال سال کوشش میکنند که از سیستم مدرسه طبقاتی فاصله بگیرند و مدارس ایجاد میکنند که این مدارس جنبه عامتری داشته باشند و بتوانند همه گروهها را بپذیرند ولی ما آنوقت در عصر انقلاب که خلق بد از فئودالیسم ارضی کردیم ولی در شهرهای خودمان موجبات یک فئودالیسم مخوف و خشنی را برای نسل آینده داریم فراهم میکنیم (صحیح است) یک عده میروند مدرسه خصوصی فردا فخر بفروشند بآن کسی رکه ربع وقت و ناک وقت مدرسه رفته این صحیح نیست منطبق با انقلاب نیست، در مورد ساختمانهای مربوط بمدارس قبلا تذکری داده شد امسال در بودجه وزارت آموزش و پرورش از بابت اجاره ساختمانهای

که مال مدرسه هاست و شاید مال ادارات آموزشی رقم ۲۸۴/۴۳۸/۰۰۰ ریال را میبینیم، یک حساب سرانگشتی ساده تاریخ ۱۰۶ دهساله نشان میدهد که اگر این مبلغ زاهر سال از سابت اصل و فرع بپردازند میتوانند دو میلیارد و پانصد میلیون ریال انتشار تأمین کنند ما به بودجه تعدیل نمیکنیم، خیال نکنید این رقم کم است بانعام کوششهاییکه برای توسعه برنامه های آموزشی کردند در فضل کارهای عمرانی بانعام اولیاتی که به برنامه های آموزشی دادند، میدانید امسال هم سازمان برنامه اگر به آموزش بپردازد چقدر است بن میخوانم ۲۶۰۱۸۰۰۰۰۰ یعنی رقمی برابر همان که عرض کردم اگر این وجه مال الاجاره هائیکه در بودجه هست از یک مؤسسه خصوصی یا عمومی وام بگیرند این مبلغ را بابت اصل و فرع بپردازند برابر آن مبلغی است که بآن همه تبلیغات از سهم سازمان برنامه به آموزش اختصاص داده شده آنوقت برآمدن ساختن ساختمان بجهه با بیدیک عده شان صبح بروند مدرسه و یک عده عصر بروند، در یک چنین وضعی اینجاب میکنند ما هر چه زودتر بتوانیم در سطح وسیع و بطور یکسان و یکنواخت و بدون تبعیض برای فرزندان این مملکت مدرسه ایجاد کنیم شما وقتی به این لایحه مراجعه کنید میبینید در برنامه های عمرانی برای آموزش سه قدم نوشته شده تشکیل لابراتوارها، ساختن چند دبیرستان و دادن وام به گروههای مخصوصی (دکتر صدری تمام شهریه ای که میگیرند از این مبلغ کمتر است) بلکه همانطور که فرمودند آنچه که سابت شهریه میگیرند و بعنوان درآمد اختصاصی در بودجه گذاشته شده از همین مبلغ که وزارت آموزش و پرورش بعنوان اجاره میپردازد کمتر است در زمینه آموزش قبل از اینکه به مهمترین مسئله این فصل بپردازیم چند نکته هست یکی در مورد کودکستانهاست کودکستانها در بسیاری از نقاط کشور و در بسیاری از مناطق روستائی، نه تنها یک برنامه پرورشی تلقی میشود بلکه یک برنامه اقتصادی و یک برنامه اجتماعی است از این نظر که در بسیاری از نقاط ایران چون زنان دوش بدوش مردان کار میکنند کودکان آنها غالباً در اوقات کار در شب بطنی سر

میرند که نه ارزش پرورشی دارد و نه ارزش بهداشتی و ساساً میتوان گفت که شکل آن بازندگی انسان مغایرت دارد و آنها در کنار آنها در محیطی آلوده ساکنند کوی خانه مشغول هستند اگر یک زمانی ما بتوانیم سیاست امور بهداشتی و درمانی را به معنی واقعی بر عهده بگیریم آنوقت باید اذعان کنیم که باید به خارج بسیاری از عمل شویم تا از این شکل زایدگی کودکان و عوارض و عوایدی که ایجاد میکنند جلوگیری کنیم گذشته از این وجود محاورات خاص و لهجه های خاص سبب میشود که تعلیمات این کودکان در دوره تعلیمات ابتدائی با اشکال مواجه باشد و مدتی وقت معلم و مدرسه مصروف آن شود که اشکالات ابتدائی را برای این بچهها حل بکنند تا این با توجه باین خصوصیات اجتماعی و اقتصادی اینجاب میکند که به برنامه توسعه کودکستانها که در حقیقت حتی یک مقدار برنامه توسعه مهدهای کودک است که کودکان را هنگام کار پدر و مادرشان تحت مراقبت و نگهداری قرار دهد مخصوصاً در روستاها و در نقاط مرزی کمترش پیدا کند باین دلیل باید به برنامه توسعه کودکستانهای دولتی بعنوان یک بخش بسیار مهم و جدی برنامه آموزشی که دارای اثرات فیزی اقتصادی است توجه نمود البته این چیزی است که نداریم ولی بکنندگری در مورد کودکستانهایی که در سطح شهرها داریم باید بدهیم کودکستانها بعد از دامان میا در مهمترین کانون پرورش است که در روح و فکر فرزندان ما اثر بگذارد، بهمین دلیل بخصوص لازم است کودکستانها از یک تربیت دقیق ملی برخوردار باشند ولی متأسفانه کودکستانها در این کشور یک جنبه لو کس بخودش گرفته در میان بعضی از گروهها ایجاد تفاخر کرده که بگویند فرزندان را بکودکستانهایی میفرستیم که برنامه آنها زبان خارجی است و برای اینکه او را قبول کنند ناچار ندیم که پرسشنامه او را بزبان خارجی پر کنیم بدانند که متجدد هستیم و فرنگی مآب هستیم و بجهه ما را بپذیرند این جانی است که شما برای تربیت چه ها ایجاد کردهاید، نظارت بکبید بر کودکستانها کودکستان یک برنامه پرورشی است اعتقاد ما این

است که در این کشور آموزش اگر داریم ولی از پرورش خبری نیست هیچ برنامه خاصی برای پرورش برای متعزز کردن پرورش در نظر نگرفتهاید و با اگر در نظر گرفتهاید متفرق و پراکنده و ناچیز است ولی بهر حال کودکستان اولین جانی است که فرزندان ایرانی را باید آماده بکنند تا جسم و جان خودشان را در راه خدمت بوغشان نگذارند این کار را نمیشود وسیله تفاخر و خودنمایی قسار داد و این کار را نمیشود با لوسر و اتومبیل مقایسه کرد که بگویند ما بهترین اتومبیل را داریم و بجهه هایمان بهترین کودکستانها میروند و اصلاً فارسی بلد او حرف نمیزنند این میشود لو کس بازی و تفاخر نابجا (با توجه انبانی اینطور نیست) اینطور هست (دکتر حکیم شوشتری - اسم کودکستان چیست؟) والله اسمش هم متأسفانه خارجی است (خانم تربیت - برای خارجیهاست) اگر واقعاً برای خارجیهاست در مقرراتش تجدید نظر کنید که مطلقاً فرزندان ایرانیان را نپذیرند، خارجی هایی هستند و کارهایی انجام میدهند و مدارسی هم دارند، کودکستان هم داشته باشند (خانم جهانبانی - این را نفرمائید مردم در این راه زحمت کشیدند) بله من نسبت بآنها نیکیه در این راه با اشتیاق و عشق قدم برداشته اند احترام میکنم ولی ما اگر میگوئیم مدرسه و کودکستان باید روح ایرانی و تعلیمات ایرانی داشته باشد تا زوی کوی اثر بگذارد حرف دیگری است امثال رشدیها را کسی فراموش نمیکند (خانم جهانبانی - همیشه است کودکستانها بسیار خوب کار میکنند) شما چرا سر کار خانم از کودکستانهاییکه متعلق بشما نیست دفاع میکنید، شما خبر دارید که هست و میدانید که اسمش هم خارجی است این چه تفاخری است که پرسشنامه برای فرزند ایرانی با اسم ایرانی باید بزبان و خط خارجی نوشته شود (دکتر صدری - اسمش را اگر میخواهید بتی گاس و میس مری است) عرض کردم اگر برای خارجی هاست سخنی نیست و اگر میدانید که فرزندان ایرانی با نجا میروند باید عرض کنم اینگونه مدارس وسیله تفاخر شده است و این مغایر با اصل پرورش ملی (معزی - قبل از انقلاب در یک خواب اصحاب گفت بودیم انقلاب ما را

بندار کرد و جهش ایجاد کرد و قدرت لازم را با ما داد (منهم عین بر اعرض کرده از جناب آقای م. تنکابن میگویم که از وقت من استفاده کردید و سخنرانی فرمودید. بعد از آن هم به همین تدکری که باید در مورد آموزش و پرورش داد یعنی مسئله پرورش من امیدوارم در این يك مورد سرکار خاتم جبهائیان که خودشان از خدمتگزاران آموزش و پرورش کشور هستند با من همداستان و همعقیده شوند ما در مسئله پرورش قدری لازم است فکر کنیم چون گناه هست که بعضی اینکه ما میگوئیم مثلاً فلان طرز لباس پوشیدن نباید باشد یا فلان طرز موزیک هماهنگی پرورش ملی ما نیست فوراً انتقاد و اعتراض شروع میشود که دنیا در حال تکامل است دنیا عوض میشود يك روز ماضی بوده است از دیدگاه ما بد بوده ناپسند بوده ، زمانه عوض شده و آن چیزها امروز پسندیده شده ، بهمین دلیل است که من میخواهم در مورد مسئله پرورش چند جمله ای را متذکر بشوم پرورش ملی عبارتست از دادن آنچنان روحیه ای به کسانی که از آموزشهای شما برخوردار میشوند که اینها بزرگترین آرزوی خودشان را در خدمت صادقیه و فداکارانه در راه وطنشان بدانند استعداد این چنین پرورش در وجود هر کسی هست سازمانهای پرورشی شما سازمانهای ارشادی شما که باید سراسر اجتماع را فرا بگیرد و در تمام شئون با هم هماهنگی داشته باشد باید کاری بکنند که این استعدادی که در نهاد هر فرد ایرانی هست مورد پرورش و تقویت قرار بگیرد بطوریکه غالبترین و ممتازترین خصیصه هر فردی باشد حال هر نوع آموزشی که دیده ، آموزش دانشگاهی دیده ، دبیرستانی ، کودگستانی ، دبستانی دیده هر نوع آموزشی دیده ولی باید این آموزش يك پرورشی هم باشد که ما در هر لحظه احساس کند قویترین جنبه او ایرانی بودن است و قویترین خواست او خواست خدمت و فداکاری نسبت باین آب و خاک است این مفهوم پرورش است ما نمیگوئیم يك لباس هائی نباید بپوشند يك آهنگهائی نباید بشنوند ولی ما میگوئیم در ریشه هر فیلمی در ریشه هر داستانی در ریشه هر عادت اجتماعی تحقیق و بررسی کنیم و ببینیم این فیلمها را این داستانها را این عادات اجتماعی

را این گروههای بیتلها و این هیپی ها را که شما از مرزها با سیاست جلب سیاحتان سوئی این کشور می کنید و در روزنامه ها و مجله ها بیش از هر اقدام ملی در مورد آنها تبلیغ میکنید (دکتر صدر - دور تلویزیون ها! ابله و متأسفانه از تلویزیون زندگي آنها را طرز رفتار آنها و لباس آنها و عادات آنها را بیان میکنید و تبلیغ میکنید و دیگران یاد میدهند امری است سنجیده یا نه؟ من يك چیزی را میپرسم آیا آموزش باید يك امر سنجیده ای باشد یا باید يك امر سنجیده ای نباشد؟ افرادیکه نوبی کوچک و خیابان عبور میکنند تحت تأثیر محرکهائی هستند که هر کدام اینها جنبه آموزشی دارد آیا باید این عواملی که بروح کودک و روح نوجوان و جوان اثر میگذارد عوامل سنجیده ای باشد یا اینجا يك کشور نیست و احتیاج به پرورش ملی هم ندارد؟ عواملی هم که بر ذهن جوانان اثر میگذارد نباید از زبان و سنجیده شده باشد؟ کدام يك هست؟ آیا باید سنجیده شده باشد اثر هر آکت تربیتی باید سنجیده شده باشد یا باید سنجیده شده نباشد؟ اگر باید سنجیده شده باشد شما من بفرمائید این فیلمها اینکه از دست شما میگذرد و بروی پرده سینما میآید این داستانها که از دست شما میگذرد و بر صفحات کتابها نقش میبندد آنچه که شما در تلویزیون نشان میدهید فیلمها که نشان میدهند اینها اثرات تبلیغاتی سنجیده شده و اثرات تبلیغاتی اینها چیست؟ ارشاد ملی یعنی همین یعنی جامعه را تحت تأثیر اثراتی بگذاریم که سنجیده شده باشد که بدانیم بروح و فکر مردم چه تأثیری میکند (دکتر طالع - مثل فیلم اسکندر مقدونی!) این میشود ارشاد و پرورش ملی وقتی این مطالب میان ما رسد یکبار جدیدی گشوده میشود يك عده میروند به جوانها حمله میکنند که جوانها اینطورند جوانها آطورند جوانها راه درست نمیروند این غلط است مسئول جوانها نیستند مسئول تنظیم کنندگان سیاست ارشاد و سیاست پرورش هستند (صحیح است) بمسئولینهای اصلی ما باید توجه کنیم این مسئله پرورش در هیچ سطحی مورد توجه نیست هر زندانی که در این کشور بمدرسه ها میروند آنیکه در شمال مدرسه میرود با آنیکه در جنوب

مدرسه میرود از لحاظ رفتار از نظر اخلاق از لحاظ مطالباتیکه بکاربرند از نظر فحشهایی که میدهند از زمین تا آسمان با هم دیگر فرق دارد آنها از کجا یاد گرفته اند تحت تأثیر چه عواملی یاد گرفته اند اینها را سنجید با سنجیدند اگر سنجیدند سیاست پرورش و ارشادی دارید اگر سنجیدند باید که همان است که من میگویم که سیاست پرورش و ارشادی نباید اگر سنجیدند اجازه دادید که وای بر شما و بر حزب شما (خنده نمایندگان) که هیچ اقدامی برای يك ملت مضرتر از این نیست که جوانانش خود را باشند آنها هم خود را در مسیر انحراف شما میدانند در این دنیا چه قطبهای مالی غنی و سرشار از قدرت و توانائی فنی هست که از مسیر فساد نمان میخورند؟ و اینها بر آن کانونهای سازنده فیلم تسلط حاکمانه دارند؟ آید باین نکته هیچ توجه شده؟ این باعث دلخوشی نیست که ما دائماً سینما سازیم سینما ساختن خیلی خوب است مشروط بر اینکه بتوانید مسبر فیلمها را درست کنید و نه از لزوم سانسور صحبت نمیکنم ما امروز متجاوز از ۵۰ سال است که با صنعت سینما آشنائی داریم و لسی سینمای ارشاد کننده شما هنوز نتوانسته يك گروههایی را بسنج کند که فیلم درست کنند که هم جوان خوشش بیاید هم تراش حساب شده و سنجیده شده باشد فیلمی که از اساس برای پول ساخته شده و برای رواج فساد ساخته شده این را هر چه از هر طرف فیچی کنند خوب نمیشود با فیچی سانسور نمیتوانید پرورش ملی ایجاد بکنید باید خلایق ایجاد کرد ما هم آدمیم خودمان باید فیلم بسازیم خودمان باید نمایش تنظیم کنیم خودمان باید اخلاق و عاداتی را بین جوانها ایجاد بکنیم و توسعه بدهیم و رواج بدهیم چه اخلاقی ، چه گزوه خاصی بعنوان نمونه جوانها نشان دادند که يك اثر پرورشی بر جوانها داشته باشد فیلمهای خلاق شما کدام است؟ نمایشهای خلاق شما کدام است؟ در مدرسه ها به بچه ها چه میگوئید و چه درس میدهید مسبر و راه آنها را چه جور در زیر سایه ارشاد و پرورش قرار می دهید محیط خیابانها و محیط های عمومی را چگونه يك کردید اینها مسائلی است که باید بدان توجه کرد ، خوشبختانه وزارت آموزش و پرورش

اسم خاصی است که در آن کلمه پرورش وجود دارد ولی بکلمه پرورش آن هیچگونه توجه نمیشود این امکانات پرورشی که هست اینها را باید متمرکز کرد بکطرف بیش آهنگی داریم بیش آهنگی در سطح شهر ستاها یا بیک کار تشریفاتی تبدیل میشود و تشریفاتی است .  
**روستا -** تشریفاتی نیست و بسیار عمیق است .  
**دکتر فریور -** نتیجه این صحبت این خواهد شد که فردا وزارت پرورش دست کنند (خنده نمایندگان)  
**دکتر عاملی تهرانی -** البته اگر واقعاً يك وزارت پرورش ارشاد ملی بوجود بیاید و بوظیفه خودش عمل بکند شاید بشود گفت که مفیدترین و اصیلترین کار انجام گرفته من صحبت از يك وزارتخانه نمیکنم ولی صحبت از ایجاد يك سیستم میکنم شما بعد از این میخواهید سطح روستاها برود روستاها بکتوع تربیت نرادیسیونل داشته اند يك نوع آداب و اخلاقی برای خودشان داشته اند شما حالا میخواهید قطبهای تربیت جوانان را بر روستاها ببرید باید تکلیف مسئله پرورش و سیاست ارشاد قبل از اینکه قطبهای شهری شما در سطح روستاها استقرار پیدا بکند حل بشود مسئله ارشاد در سطح و شکل کلی خودش عبارتست از يك قطب هدایت کننده يك فرستنده قوی و نیرومند و صداها میآیند بگیرند ای که سینماست دو تمام سطح کشور بیامهزی پرورشی شما را بگیرد در سطح شهر ها و روستاها باز گو کنند شما باید يك ملت را با روحیه خاصی با توانائی و قدرت خاصی بسازید که آمادگی خدمت داشته باشد میدانید بر اثر نبودن يك سیستم ارشاد ملی و پرورش ملی صحیح امروز ما بچه صحنه هائی و چه مرحله ای از اجتماع رسیدیم بآن مرحله ای رسیدیم که متأسفانه افرادی پیدا شدند که بدیگران اولین نصیحتشان این است که اگر میتوانی از این مملکت برو برو در جای دیگر دنیا راحت و آسوده برای خودت زندگي کن (مهندس ارفع - کی میگوید؟) (بختیازی یور - اینها ایرانی نیستند دشمنان ایران هستند) (مهندس ارفع - در حزب آقایان این صحبتها شده) جناب آقای مهندس ارفع اگر ما چشم خودمان را ببندیم و چیز هائی را که در اجتماع ما وجود دارد نبینیم برای آنها راه حلی پیدا نخواهیم کرد درست است که این

حقیقت تلخ است که بگوئیم در این کشور روحیه هائی  
هست که منافع شخصی را بر منافع عمومی ترجیح  
میدهند.

**مهندس ارفع** - در هر اجتماعی هست مختص ایران  
نیست در همه جای دنیا هست.

**دکتر عاملی** - روحیه بدی است.  
**مهندس ارفع** - خوشبختانه در کشور ما روح  
فداکاری غالب بر نفع پرستی است.

**دکتر عاملی** - بله این کاملاً صحیح است ولی وقتی  
میگوئیم چرا سر دشت طیب ندارد، قاضی ندارد کارمند  
تبت ندارد میگویند کسی حاضر نیست با این حقوقها آنجا  
برود این طرز فکر و این طرز تربیت از کجا آمده از  
همانجائی که شما مردم را گذاشتید باختیار خودشان آنجا  
وظیفه نیست آنجا ایرانی زندگی نمیکند مردمش مریض  
نمیشوند مردمش باهم دعوا نمیکند احتیاج بقاضی ندارد؟  
پس وظیفه هست کسی را نمیتوانید بفرستید چرا؟ برای  
اینکه اساس تربیت ملی در این کشور پایه گذاری نشده.

**عباس میرزائی** - حزب شما بفرستد دولت پولش  
را میدهد.

**دکتر عاملی** - این کار را میکنند در این تردید  
نیست. بله صحیح میفرمائید. من هم همین  
را میگویم، اتفاقاً درست من هم همین را میگویم، درست شما  
نشان دادید که همان چیزی را که آقای مهندس ارفع  
تکذیب کردند شما نباید گردید، شما میگویند شما برو،  
بله من هم همین را میگویم تربیت ملی نیست، روحیه  
فداکاری نیست وقتی صحبت از رفتن به سر دشت میشود  
شما نمیگوئید من میروم میگوئید تو برو درست همین نکته  
حساسی که من میخواهم بگویم که در این کشور این حقیقت  
هست این طرز فکر هست که ما خدمت را استقبال نمیکیم  
اضافه حقوق میخواهیم سیاست ارشاد شما تمام دستگاههای  
دولت را تبدیل کرده بدست نگاههایی که در آن نشسته اند و  
صحبت از اضافه حقوق میکنند (صحیح است) بهمین دلیل  
است که شما میخواهید سیاست اقتصادی دولت را با روحیه  
سودجویانه تلفیق کنید هم لایحه میآورید فلان مؤسسه  
را از معمول مقررات استخدام مستثنی میکنید چرا؟ برای

فرد شخصی خودش ببیند و بدنبال آن حرکت کنید مظاهر  
بن پرورش در همه جا هست اگر در یک جامعه ای پرورش  
صحیح استقرار یافت مظاهر آن پرورش صحیح در همه جا  
پیدا میشود مسلماً اگر این طرز پرورش در ایران وجود  
میداشت هیچ وزیری در دوران انقلاب حاضر نمیشد  
نومبیل سابقش را که راه میروند کنار بگفارد و در یک  
نومبیل سیستم جدید بنشینند (پزشکپور - کاملاً صحیح  
است) (کلانتری - اطفاقیهای پذیرائی را هم بفرمائید) در  
همه جا باید وجود داشته باشد در تمام سطوح باید وجود  
داشته باشد یک دردهائی هست در تمام دنیا دارند همه جای  
دنیا در مسیر سیلهای انحطاط قرار گرفته اند نخواهید که  
در مسیر سیلهای انحطاط این ملت را قرار بدهید ما انقلاب  
کردیم که یک سیاست مستقل ملی داشته باشیم در راهیکه  
مخصوص خودمان است حرکت کنیم اگر در راه  
ناسیونالیسم هستیم که شما صاحب فرمودید ایدئولوژی حزب  
ما ناسیونالیسم است اضافه چیزهای دیگر من چیزهای  
دیگر را کار ندارم به ناسیونالیسم اکتفا میکنم، اگر  
ناسیونالیست هستیم باید قبول داشته باشید که ناسیونالیسم بدون  
پرورش ملی و بدون ارشاد ملی وجود ندارد وجود خارجی  
ندارد متأسفانه بعضی از الفاظ هست که هنوز معانی دقیق  
آن روشن و آشکار نشده بعضی از دوستان بمن تذکر میدادند  
که شما باین اکتفا میکنید که ناسیونالیست هستیم ما هم  
ناسیونالیست هستیم البته در مورد معنی این کلمه میشود  
تعبیرهای مختلفی کرد یکی عبارت است از اینکه بگوئیم  
مردمی که خودش را بسته بیک ملت بدانند ناسیونالیست  
است آنوقت همه ما باین اکتفا ناسیونالیست هستیم ولی  
آنچه که ما سمش را گذاشته ایم ناسیونالیسم، یک واقعیت  
علمی است ناسیونالیسم باعتبار حزب پان ایرانیست یک  
علم است، علم پیدا کردن راههای ترقی و تعالی و عظمت یک  
ملت (احسنت) همانطوریکه دام پروری یک علم است شما  
اگر میخواهید دام خوب داشته باشید باید مبانی علمی آن  
را رعایت کنید (دکتر حکیم شوشتری - شما دام و آدم را  
باهم مقایسه میکنید؟ این توهین است) از نظر علمی بله  
خیلی چیزها علم است دین هم علم است دام پروری هم علم  
است پس اینکه دین هم علم است توهین به دین است؟ چون

دام پروری علم است چه حرفی میزنید شما که (الحاقاً جنبه  
علمی به تشنان هست) (دکتر حکیم شوشتری - قیاس  
مع الفارق است) من بعنوان علم عرض میکنم ما میگوئیم  
چون شما برای هر چیز بعلم احتیاج دارید بقول آقای حکیم  
شوشتری تنها مادر مورد اداره مملکت و دریافت راز بقا  
و عظمت ملتمان بعلم احتیاج نداریم اینهم برای خودش  
موضوع علمی است این ایده تئولوژی نیست این یک چیزی  
است برتر و بالاتر از ایده تئولوژی، ناسیونالیسم یک  
علم است ممکن است تعبیرات گوناگون داشته باشد  
یعنی اینکه ما بینیم ملت ما در این قالب جغرافیائییکه  
قرار دارد چطور میتواند چه اندیشهها چه فکرها و چه  
راه حلی میتواند ملت ما را بطرف عظمت بطرف برتری  
بطرف نیزمندی ببرد (قاضی زاده - این شعار شما و این  
مسائلیکه مربوط ترقی و تعالی مملکت است شاهنشاه  
قبلاً ترسیم فرموده اند ما هم تبعیت میکنیم) البته تمام  
علمها مبنایشان در کتابها نوشته شده است باید درفت خواند  
ماتر دیدی نداریم که شاهنشاه ما بعنوان یک قائد ناسیونالیست  
مبانی و دستور هائی برای بهتر زندگی کردن ملت ایران  
تنظیم و ترسیم فرموده اند و خوشبختانه خداوند به ایشان  
توفیق داده است که کتابی در این مورد بنویسند و بیانات  
ایشان هر قسمتش باز گو کنند قسمتی است از این علم  
من قبول دارم ولی نوی کتابها خیلی مطالب نوشته شده است  
باید درفت و خواند (مهندس ارفع - ما عمل میکنیم) (دکتر  
طالع - باید درک کرد فقط خواندنش کافی نیست) بله  
باید خواند و درک کرد در قسمت پرورش ملی اول شما  
فرمودید اینطور نیست ولی بعد مثالها و شاهد هائییکه  
آوردیم ملاحظه فرمودید اینطور هست و تا زمانیکه این  
مشکلات وجود دارد معلوم است که بمقتضای علم ناسیونالیسم  
عمل نشده اگر عمل میشد از این بهتر بود اینست نکاتی  
در مورد پرورش ملی این را باید عرض بکنم پرورش ملی  
باید بعنوان یک نهاد پذیرفته بشود یعنی اینطور خیال  
نکنید اگر یک دستگاه بوجود بیاید و اسمش را بگذارید  
دستگاه ارشاد و پرورش ملی این مسئله حل شده است نه  
روح پرورش ملی یعنی آن روحیکه نفع خصوصی را در  
وجود هر یک از ما از بین ببرد و جای آنرا بغير خواهی

و ملت خواهی بدهد این چنین سازمانی باید در تمام سطح مملکت بوجود بیاید اگر ما قبول نکنیم که در این راه کامپی باندی بر نداشتیم طوری نخواهد شد چون آتوق و وظیفه و باطنی و باطنی انقلاب با حاکم میکند باین مسئله اندیشه کنیم و در برابر این مسئله راه حل هائی پیدا کنیم. بنابراین در مورد ارتش و پرورش ملی لازمست که سیاست اساسی و اصلی منظره بشود این فعالتهای متفرق اینها از يك راه نمائی مشترك و سنجیده ای برخوردار بشود این ملت در يك جو فکری عالی زندگی میکند در يك جو ملی که همواره وظیفه اش در پیش چشمش مجسم باشد و در هر قدمیکه بر میدارد بمقتضای وظیفه ملی خودش کام بر دارد در مورد دانشگاهها البته فرصت این نیست که يك روشکافی دقیق و کاملی صورت بگیرد نکاتی هست که لازمست بآنها توجه شود، هزینه سرانه دانشجو در دانشگاههای گوناگون این کشور متعادل و يك نواخت نیست البته میدانم که هزینه سرانه دانشجو مثلاً در دانشگاههای مثل ادبیات و حقوق کمتر است از هزینه سرانه دانشجو در دانشگاههای مثلاً پزشکی و فنی این صحیح است ولی اگر بررسی بفرمائید با هر میزانی و معیاری که شما قرار بدهید برای همین هزینه سرانه دانشجو باین نکته برخورد خواهید کرد که در دانشگاههای مختلف کشور این هزینه تعادل ندارد اگر فرضاً در دانشگاههای اصفهان ما کمترین رقم هزینه سرانه را داریم و این رقم مثلاً ده است دانشگاههای دیگری در مملکت هست که این رقم برای آنها ۴۰۰ است و چنین اختلاف فاحشی منطبق بانظام برنامهای نیست از دو حال خارج نیست یا دانشگاهی که کم خرج میکند خدمت صحیح آموزشی تحویل نمیدهد و این بزبان کشور است و یا دانشگاهی که زیاد خرج میکند يك مقدار مننارج بیهوده میکند آن هم بزبان کشور است لازمست که تعادلی در این جهت ایجاد شود و این تعادل باید به نحو انقلابی بر گذار شود بالاخره این تصمیم ها کبی باید گرفته شود؟ کبی باید موقع عمل و اجرا گذاشته شود؟ ما بسیاری از دردها را میدانیم ولی تکرار کردن آنها کتفاً میکنیم در مورد دانشگاهها تریات استخدامی سالهای اخیر تبعیضاتی را بوجود آورده

يك عده امروز هنوز در دانشگاهها استخدام میشوند با حقوقهای در حدود هفتصد و هشتصد تومان عده دیگری استخدام میشوند بعنوان اینکه از محل طرح است بعنوان اینکه خدمت فولتایم انجام میدهند با حقوقهای بیشتری اگر واقعا آن کسی که خدمت فولتایم انجام میدهد علاوه بر آن کسی که خدمت فولتایم انجام نمیدهد خدمت میبرد در اینصورت هیچ تبعیضی میان آنها پیدا و لسی بعلمت اینکه سازمان داده نشده بین آن کسی که خدمت فولتایم انجام میدهد و آن کسی که خدمت فولتایم انجام نمیدهد اختلاف فاحشی از لحاظ خدمت نیست این مشکل دیگری است که در سطح دانشگاهها وجود دارد همین چا چون مسئله شباهت دارد این نکته را هم غرض میکنم در سطح بهدار بهای کشور مشکلات بسیاری وجود آمده عده ای بطور عادی استخدام شده اند و امروز بعد از ده سال دوازده سال یا نوزده سال خدمت مثلاً از دوازده تا بیست و دو سال حقوق و مزایای آنها میکنند عده دیگری در کنار آنها کار میکنند بعنوان اینکه از محل طرح استخدام شده اند چند برابر آنها حقوق میگیرند این تفاوتها چیز هائی نیست که ما بگوئیم باید رشد بکنیم باید موجبات اقتصادی پیدا بشود اینها تصمیمات اداری است تصمیمات قانونگذاری است مجربان امور باید راه حل هائی برای این موارد پیدا بکنند و آنها را بکار ببندند ولی هر چه زمان میگذرد این مشکلات انبوه تر و بیشتر میشود و هنوز در برابر این مشکلات راه حلی بوجود نیامده است (دکتر طالع - صحیح است بکشته روم را نمی شود ساخت) در وزارت بهداری باز مسئله ای شبیه باین هست و آن اینست که بعلمت آنکه يك آئین نامه صحیحی برای نحوه نقل و انتقال کارمند های فنی و غیر فنی وجود ندارد کسانیکه به نقاط دور فرستاده میشوند دیگر هیچ نوع امتدی برای اینک میتوانند بک زماناتی بشهر دیگری بروند نوازند ناچارند محل خدمتشان را ترک کنند باینکه تهران با بنظر طرف و آن طرف متوسل شوند برای اینکه بگویند من ده سال است بانزده سال است از همه چیز عقب افتاده ام از تحصیل عقب افتاده ام راه ترقی برویم بسته شده است علمی را که یاد گرفته ام دارد فراموش میشود هر چه تلاش میکنم هر چه کوشش

میانم من را منتقل نمیکنند این يك نظمی میخواهد چند روز پیش اینجا تذکر داده شد بطور مگر ارتش پرسنل داد و ولی با نظم این مسئله را برای پرسنل خودش حل کرده يك آئین نامه صحیح و دقیق برای انتقالش دارد هر کسی تکلیف خودش را میداند و میداند در هر منطقه ای از کشور بخدمت و بجهت شکان باید خدمت بکند ولی برای بعضی از دستگاها این نظم و آئین نامه وجود ندارد مقداری از مراجعات بهم شما، گواهی بدهید همین است کسانی هستند که به يك نقطه دور افتاده فرستاده شده اند یکسال گذشته دو سال گذشته، روز اول که اینها را میفرستند قول بهشان میدهند که تو برو شما هم تورا بر میگردانیم ولی وقتی آن شخص رفت و در آنجا مستقر شد یکسال بماند دو سال بماند تمام مسائلی را که برای خودش ندر کرده و راه ترقی اوست راه ترقی علمی اوست منتفی میشود برای اینکه يك آئین نامه دقیق و منظمی برای انتقال نیست نتیجه دیگرش چیست آنکسی را که مثلا بهداری میفرستند به يك شهر دور افتاده آن شخص در روزی که بریز است که پاسخگوی نایب دوست و سیصد مریض باشد ولی بالاخره بعد از اینکه مراجعات متعددی کرد و ۱۰ ممرگز منتقل میکنند زن وقت در تهران يك مریضخانه ای بوجود میآید که هر کس از شهرستانها بهداز ده سال ۱۵ سال پنج سال ۳ سال منتقل شدم به تهران همه شان میزنند در آن مریضخانه مجتمع میشوند و آنجا نوزم گذر و پرسنل پیدا میکنند آن کسیکه اینجا است میخواهد کار بکند نوبت باو نمیرسد آن کسیکه در نقطه دور افتاده است میخواهد کار بکند میخواهد کار صحیح بکند امکانش را ندارد کثرت مراجعات باو مجال نمیدهد اینها تبعیض است اینها تبعیضاتی است که باروش های انقلاب اداری باید حل شود این نکات نا بحال چند بار تذکر داده شده بوسیله انواع و اقسام مقامات بوسیله روزنامه ها بوسیله نمایندگان، چقدر باید تذکر داده شود پس این انقلاب اداری شما گئی / آغاز میشود؟ گئی این مسائل حل میشود؟ اینها که کار آئین نامه است روشهای داخلی شماست نظمی باین کیار باید داد این دو نمری که یکی چهار هزاره و یازده تومان میگیرد و دیگری

کس بهلوی اون بسته و همان کار را انجام میدهد بحکم آنکه استخدام رسمی شده است دوازده تومان میگیرد این تبعیض را کبی میخواهید از بین ببرید؟ اینها نکاتی است که در سطح دانشگاهها هم وجود دارد این مسائل بزبان گروههای تحصیل کرده جوان است از طرف دیگر يك مسئله جدیدی مطرح شده است البته عمومیت نمیتواند داشته باشد ولی در حالیکه کسانیکه در این کشور هستند و جوانی شغل هستند و واجد آن شرایط هستند که بیایند و بروند در دانشگاه وظایف علمی انجام بدهند يك وقت می بینید بکنفر را با بوق و کرنا از يك کشور آوردند و در يك دانشگاه دیگر مشغول کار کردند کارهای ما نباید فقط بخاطر جنبه روانی و تبلیغاتی باشد باید در تلو آن معنی و مفهوم حقیقی و واقعی باشد شما بیست های دانشگاهیمان را معلوم کنید جوانان تحصیل کرده ایران واجد شرایط بودند آن سمت هارا اشغال بکنند جوانان تحصیل کرده خارجی می توانستند بروند آن سمت هارا اشغال بکنند، از هیچ جهت و به هیچ شکلی نباید تبعیض وجود داشته باشد ولی این تبعیضات از نظر نحوه تقسیم کار از لحاظ میزان حقوق ها در سطح دانشگاهها هم وجود دارد و این بسود و به نفع گروههای جوان و تحصیل کرده های جوان نیست باز تذکر دیگری که در ضمن بررسی سال گذشته به تفصیل بآن پرداخته شد مربوط بود بدرآمد اختصاصی دانشگاهها درآمد اختصاصی دانشگاهها که از محل گرفتن شهریه از دانشجویان تأمین میشود با اینکه نسبت به اوایدی که از درآمد عمومی بدانشگاهها اختصاص داده میشود رقم بسیار ناچیز است ولی متأسفانه بجای اینکه بکار برای همیشه از این رقم ناچیز بگذرند و دو های دانشگاه را مانند دبستانها و دبیرستانهای دولتی (دبیرستانهای دولتی چند سال پیش نه امروز که شهریه میگیرند) یکسان و یکنواخت بروی تمام فرزندان این مملکت باز بکنند به روشهای مختلف و عجیب و غریب متوجه میشوند این گرفتن سفته از دانشجویان چه تعبیری میتواند در يك سطح انقلابی داشته باشد هر جوانی وقتی در مورد او سرمایه گذاری میشود وجودش باندازه صد ها سفته برای کشور ارزش دارد



او میتواند در آینده دهها برابر صدها برابر آن میزان سرمایه‌ای که صرف تحصیل اوشده خدمت کند و بدرآمد این کشور بفرزاید ولی ما وجود دانشجویان را فقط بابت برگ سفته ارزشیابی میکنیم و این روش صحیحی نیست اگر واقعاً میزان درآمد اختصاصی دانشگاهها رقم عظیمی را تشکیل میداد که چرخ دانشگاهها با این پول می‌گشت هیچ سخی نبود ~~میگفتیم راه دیگری وجود ندارد ولی وقتی این رقم تنها رقم درآمد اختصاصی را تشکیل میدهد که تازه در لایحه بودجه نوشته شده است که مؤسساتی که درآمد اختصاصی دارند باید صورت درآمد و هزینه‌شان را از محل بودجه اختصاصی به وزارت دارائی بفرستند یعنی این عواید صرف آن مخارجی میشده که قوه ناظر بردخلخرج مملکت تا کنون از آن بی‌اطلاع بوده وقتی تنها در این مورد هزینه میشود چه لزومی دارد که چنین رقمی در بودجه باشد و آنوقت شما مقداری از وقت دانشجویان و وقت دانشگاهها را به تنظیم سفته و گرفتن ضامن غیره و غیره معطوف و مشغول بدارید متأسفانه این تذکرات کرا را داده میشود ولی مثل اینکه بیشتر و بی‌اثر است (صحیح است) اصل بازدهم منشور انقلاب اداری برای وزارت علوم و آموزش عالی این وظیفه را ایجاد کرده است که در برنامه مؤسسات آموزشی خصوصی نظارت کند و از کارهای زائد و موباره کاری جلوگیری کند و آنها را با برنامه‌هایی که در سطح نیازمندی کشور است هم آهنگ کند ولی تا امروز که ۶ ماه از تنظیم منشور انقلاب آموزشی میگذرد شما میدانید در مورد این وظیفه حساس و دقیق وزارتخانه‌ای که مسئولیت داشته چه کاری را انجام داده بگوای گزارشی که در این کتابها هست وزارت علوم در این مورد فقط آیین‌نامه را تنظیم کرده و برای تصویب به هیئت دولت فرستاده آیا در دستگاههای آموزشی عالی دوباره کاری نیست آیا بک قسمت از همان برنامه‌های آموزشی که دانشگاههای سابق انجام میدادند بکمک همان استادان انتقال پیدا نکرده است در مؤسسات خصوصی آیا ظرفیت ~~دانشگاههای سابق~~ سابق از لحاظ تعلیم آن رشته‌ها تکمیل شده بود و دیگر امکان گرفتن هیچ دانشجوی جدیدی را~~

نداشتند؟ اگر اینطور است چطور استادان میتوانند بروند در مؤسسات خصوصی خدمت کنند؟ (دکتر صدر وزیر علوم نه خودش اینجا هست نه معاونش، هیچکدام اینجا نیستند) خوب البته مسئولیت مشترک است من نمیتوانم مجلس شورای ملی را معطل بکنم که مسئول خاص نیست در مورد تنظیم برنامه مؤسسات آموزشی خصوصی بررسی و دقت کافی بعمل نیامده اولین اساس این بررسی باید این باشد که اگر پرسنل آموزشی وقت آزاد دارد سازمانهای دانشکده‌های دولتی را تقویت بکنید تا بتوانید از همین پرسنل استفاده بکنند این کار را چه در سطح دبیرستان باید کرد چه در سطح دانشگاه باید کرد بقول معروف چراغی که بخانه‌رو است بمسجد حرام است آن معلم مدرسه دولتی که وقت آزاد دارد تا جاییکه میتواند حق تدریس بگیرد در همان مدرسه‌های دولتی تدریس بکند و آن استادی که وقت آزاد دارد تدریس از رزمندی دارد از همان دانشگاه دولتی حقوق بگیرد و وقتش را صرف تعلیم و تربیت دانشجویان همان دانشگاه بکند مؤسسات جدید در زمینه‌هایی بوجود بیایند که دانشگاههای سابق پاسخگو نباشند دانشکده‌های سابق نتوانند نیازمندی‌های اجتماع را برطرف بکنند در یک جای جدیدی مؤسسات جدید با امکانات جدید بوجود بیایند در مورد وظیفه اصیل اجرای اصل ۱۱ منشور انقلاب آموزشی تنظیم یک آیین‌نامه کام بلندی نیست و ما انتظار داریم که بمقتضای این وظیفه بناهایت دقت و قاطعیت عمل بشود و بگذاریم سرمایه‌هایی که متعلق بدانشکده‌های دولت است در اختیار آنها باقی بماند و دانشجویان لااقل با قیمت ارزانی از آن استفاده کنند اصل هیچدم انقلاب آموزشی اشاره کرده است باینکه کادرهای اداری مؤسسات آموزشی دارای تورم کارمند است کارمندی‌زادی دارد این حرف من نیست این توصیه انقلاب آموزشی است ولی حالا ببینیم بررسی بکنیم این توصیه‌ای که شده است این توصیه‌ای که در حضور شاهنشاه تصویب رسیده است بدستگاهها و سازمانهای آموزشی کشور ابلاغ شده است و بودجه مملکت ظاهر آمد از این توصیه تنظیم شده باید اثرات این توصیه را در بودجه مملکت ببینیم ببینیم که کادرهای آموزشی قسمت اداریش تقلیل پیدا کرده؟ ولی کجا است این تقلیل؟ صفحه ۱۱۵ خدمات

عمومی دانشگاه مشهد اعتبار سال ۱۳۴۷ هفتصد هزار اعتبار سال ۱۳۴۸ بیست و هشت میلیون و سیصد و هشتاد هزار ریال این است منظور از تقلیل، تعداد کادر ۷۶ نفر در آغاز ۴۸ پیش بینی آخر سال ۴۸ نود و یک نفر توجه داشته باشید که من وظایف آموزشی را در اینجا نمیخوانم فعالیت خدمات عمومی را میخوانم که منظور عبارت از کادر اداری است (دکتر میرعلاء - کادر اداری را نمیشود آنرا تقلیل داد) ولی آنرا میشود افزایش داد (دکتر میرعلاء بعضی از دانشگاهها کم دارند و بعضیها زیاد همه در یک سطح نیستند) حالا به ستون دیگرش می‌رسیم عرض کنم این توصیه کجا شده؟ در حضور چه کسانی شده؟ در یک کنفرانس شده در رامسر در حضور مسئولین طراز اول آموزشی کشور این را من کشف نکردم که کارهای اداری دانشگاهها تورم دارد این را کنفرانس آموزشی کشف کرد کنفرانس آموزشی توصیه کرد در اصل هیچدم کنفرانس این توصیه برای چه بود؟ برای این بود که برخلافش عمل بکنند حرفی نیست اگر توصیه‌های شما و سمینارهای شما برای اینست که برضدش عمل کنید حرفی نیست در جهت عکس آن عمل کنید ما قانع هستیم شما بفرمایید این است روش حزبی ما که کنفرانس هر توصیه‌ای کرد ما عکسش را عمل میکنیم ولی اگر که باید بمقتضای آن عمل کنند ببینیم عمل کرده‌اند یا نه کادر آموزشی تشکیل میشود از چند فعالیت در بعضی از دستگاهها این چند فعالیت تحت عنوان یک فعالیت کلی با اسم خدمات عمومی مندرج است در بعضی از سازمانهای دیگر تقسیم میشود فعالیت کارگری، حوزه مدیریت، امور مالی و اداری ماحالا میخواهیم اجرای این اصل انقلابی را در کتاب بودجه‌ای که شما تقدیم کردید بررسی کنیم شما میفرمائید که فوری نمیشود (صحیح است) ولی باید در جهت عکسش عمل کرد؟ پس آن توصیه کنفرانس انقلاب آموزشی چه معنایی داشته است آنها خوب بررسی نکردند و خوب اصلی را تصویب نرساندند و با شما بهتر از آنها مفهومیت که بر عکسش عمل میکنند

قاضی زاده - جناب آقای دکتر عاملی خواهش

میکنم جنابعالی با آن بیان فصیح خودتان يك قسمت از بیاناتتان را اختصاص بدهید به نهضت علمی که در این مملکت ایجاد شده در سالهای اخیر اینهمه دانشکده‌ها و دبیرستانها و دبستانها در تمام شئون مملکت ایجاد شده است آخر يك قسمتی هم جنابعالی اختصاص بدهید باین قدمتها شما بعد افراط رسانده‌اید.

**دکتر عاملی** - عرض کنم صبح دوست عزیز شما فرمودند که از زوایای مختلفی مسائل نگاه میکنیم این فرصت هم برای شما هست که نسبت به این مطلب از زوایای دیگرش بنگرید و انشاء الله شما در اینجا نهضت علمی و آن توسعه‌ها را بیان خواهید فرمود منته خوشبختانه میدانم که این کشور بسیار ترقی کرده ولی حرف ما يك نکته دیگر است من میگویم این ترقی و تکامل را با چه امکاناتی و با چه اعتباراتی پیدا کرده‌ایم بررسی‌ها این است که آیا این ترقی و این تکامل متناسب با آن امکانات مالی بوده است یا نه حکم انقلاب آموزشی این است که متناسب نبوده برای اینکه اگر میبود انقلاب اداری و آموزشی وجود نمیداشت و چنین فرماتی داده نمیشد حکم این فرمان این است که این دستگاهها میزان خرجی که میکنند بهره‌وری ندارند باین دلیل است که انقلاب هم در جهت اداری لازمست و هم در جهت آموزشی لازم است. خدمات عمومی را بررسی میکنیم دانشگاه جندی شاپور، در خدمات عمومی، باز عرض میکنم این غیر از خدمات آموزشی است اعتبار سال ۱۳۴۷ یعنی قبل از توصیه منشور انقلاب ده میلیون ریال بعد از توصیه ۱۲ میلیون ریال تعداد کارمندان ۱ نفر در این سیال اضافه میشود خدمات عمومی دانشگاه ملی ایران قبل از توصیه انقلاب اعتبار کارهای اداری ۵۳ میلیون و ۱۶۷ هزار ریال بعد از توصیه انقلاب ۶۹ میلیون و ۵۵ هزار ریال تعداد کارمندان قبل از اینکه تشخیص بدهد تورم اداری است ۷۲ نفر پیش بینی میکردند در آغاز سال ۴۸ صد و هفت نفر (دکتر میرعلاء - اینها دانشگاههایی است که تورم نداشته‌اند و احتیاج بتوسعه داشته‌اند چرا مغلطه میفرمائید؟) (دکتر برتو اعظم - خود شما که سالها معاون طرحها و برنامه‌های دانشگاه بودید تعداد دانشجویان بفرمائید که چقدر افزایش پیدا میکند) (در مورد دانشجویان آنچه که باید بکادر اداری

اضافه شود و مد عرض میکنم خدمات عمومی هنر سر ابعالی و هنرستان ضمیمه چیست قبل از توصیه ۲۱ میلیون و هشتصد و هفت هزار ریال بعد از توصیه ۲۳ میلیون و نهصد و هشتاد و یک هزار ریال حوزه مدیریت دانشسرای ابعالی بهمان وضع سال پیش باقی مانده حوزه مدیریت دانشگاه تهران بوضع سال پیش باقی مانده حوزه مدیریت دانشگاه پزشکی بوضع سال پیش باقی مانده بیمارستانها بوضع سال پیش باقی مانده دانشگاه پهلوی بوضع سال پیش باقی مانده حوزه مدیریت دانشگاه تبریز قبل از انقلاب ۸ میلیون بعد از توصیه ۹ میلیون و ۸۵۶ هزار ریال (دکتر طالع - پس کدام دانشگاه تورم داشته؟) حوزه مدیریت دانشگاه اصفهان بوضع سال پیش، کارگزینی دانشگاه تهران بوضع سال پیش کارگزینی دانشگاه تبریز بوضع سال پیش دانشگاه پزشکی و بیمارستانها بوضع سال پیش عجیب است که این توصیه هیچ موردی برای اجرا نداشته است اصفهان مثل وضع سال پیش امور مالی و اداری آموزش و پرورش بوضع سال پیش امور مالی و اداری دانشسرای ابعالی اندکی بیش از وضع سال پیش امور مالی و اداری دانشگاه تهران قبل از توصیه ۱۲۷۵۲۹۰۰۰ ریال بعد از توصیه ۱۳۷ میلیون و ۴۶۶ هزار ریال با اضافه ۱۵ میلیون از محل درآمد اختصاصی امور مالی و اداری دانشگاه پزشکی و بیمارستانها بوضع سال پیش دانشگاه پهلوی قبل از توصیه ۴۳ میلیون و ۶۷۲ هزار بعد از توصیه ۴۵ میلیون و ۸۳۸ هزار ریال، درآمد اختصاصی ۲ میلیون قبل از توصیه ۱۷ میلیون بعد از توصیه دانشگاه تبریز ۲۵ میلیون قبل از توصیه ۲۷ میلیون بعد از توصیه امور مالی و اداری اصفهان ۱۵ میلیون قبل از توصیه ۱۶ میلیون بعد از توصیه ۵۰۰ هزار ریال از درآمد اختصاصی قبل از توصیه ۲ میلیون و ۵۰۰ هزار ریال از درآمد اختصاصی بعد از توصیه افلاک این توصیه باید در یک موردی مصداق داشته باشد و نامشهور انقلابی تطبیق نکنند چطور یک چیزی در منشور انقلابی میآید که حتی یک موردش مصداق ندارد ولی در مورد اینکه فرمودید که به نسبتیکه فرض میکنید دانشجو اضافه میشود دفتری باید هزینه های اداری افزایش پیدا کند این نکته ای را که شما فرمودید یک خاطره رنج آوری را بیاد

من آورد اتفاقاً درست مربوط بر زمانی است که در قسمت طرح و برنامه دانشگاه تهران عهده دار وظیفه ای بودم و این نکته را من در نظر گرفته بودم که بعنوان تذکری عرض برسانم مسا در این کشور یک برنامه ۴۸۰ میلیارد ریال بعنوان برنامه چهارم داریم کارهایی است که باید عملی و اجرا بشود غالب این کارها باید با واسطه گروهای مهندسی مشاور و بعد مقاطعه کاران انجام بگیرد و آن چیزیکه واقعاً بعنوان اصل انقلاب اداری باید مورد عنايت توجه باشد این است حال که میخواهند همین حجم عظیم پول را بوسیله مهندسان مشاور که مؤسسات غیر دولتی هستند و مقاطعه کاران که مؤسسات غیر دولتی هستند خرج بکنند باید ضوابط محکمی ایجاد بکنید که بتوانید بر طرز عمل این گروه های غیر دولتی که پول دولت و پول ملت را هزینه میکنند نظارت مستمر و دقیق برقرار بکنید نکته ای را که من در اینجا بخواهم آمدم این است که در یکی از محافل برنامه ریزی صحبت از این بود که دانشگاه تهران در زمینهای امیرآباد احتیاج دارد باشکة یک استاد بوم ۳۰ هزار نفری ساخته بشود باره ای از کسانی که در آنجا حضور داشتند و مثل من کم تجربه بودند گفتند حالا که میخواهید بسازید تعداد را بیشتر در نظر بگیرید، بکنید صد هزار نفر، بعضی اینکة چنین پیشنهاد نسنجیدم ای مطرح شد دیدم عدمای حسن استقبال کردند و عدمای ما ایما و اشاره بمن میگویند نه، بیان نکن بگذار همان ۳۰ هزار نفر باشد بعداً توضیح داده شد ما که میخواهیم نقشه اینکار را بر آورد بکنیم بر اساس عده ای که میخواهند از آن استفاده بکنند بر آورد میکنیم یعنی هزینه بر آورد اولیه اینکار اگر رقم ۳۰ هزار باشد با رقم صد هزار باشد به نسبت صدبه سی فرق میکند وقتی صحبت پلان عمومی کوی دانشگاه امیرآباد بود که در آنجا مراکز متعدد آموزشی باید استقرار پیدا کند باز همین وضع بیش آمد اگر شما بگوئید ۵۰۰ هزار نفر خیلی خوشحال میشوند چون ضریب رافوراً ضریب ۵۰۰ هزار میکنند با این طرز نمیشود انقلاب اداری کرد نمیشود فعالیتهای اجرایی کرد ضوابط محکمی داشته باشیم این بر آوردها حتماً لازم نیست بوسیله گروهای مشاور خصوصی شود بر آورد اینکة ما روی کاغذ بگوئیم

خرج این دستگاه چقدر میشود با این راهم باید بازایش چیزی بپردازیم؟ یا اینکه دستگاهها و سازمانهای مجهز فنی داریم با اینکه بسیاری هستند پرسنل فنی که حاضرند با استخدام دستگاه دولتی در بیایند شما دارید روشهای جدیدی در حکومت اختراع میکنید آنجائی که صحبت پول است فوراً پای کسانی میان میآید که بعنوان مختلف می بایست بدون نظارت فوه مقننه بدون نظارت دستگاه کنترل کننده از وضع مالی مملکت از آن منابع مالی بهره مند بشوند و استفاده بکنند شما شاید خیلی خوب میدانید که ما واقعاً تورم کادر اداری داریم این تنها منحصر بکادر دانشگاه نیست در همه جا داریم (صحیح است) شما باز بهتر از من و خوشتر میدانید که این قطب های متورم شده از کارمندان که بمقتضای اصول فنووالیسم اداری بوجود آمده اینها اجازه نمیدهند و نیروهای خودشانرا تحمیل میکنند حتی بر سازمان اداری و استخدامی شما، سازمانهایی که نوشته میشود بجای اینکه از یک مأخذ علمی بهره گرفته باشد بیشتر در صدد این است که پرسنل موجود را در قالبهای جدید بگمارد شما خیال میکنید مابک ضابطه دقیق داریم که میدانیم بازاء مثال هر چند دانشجوئی که اضافه میشود به کادر اداری دانشگاه هم اضافه شود والله نداریم اینهم یک حساب فرضی است حسابی است که فقط بدرد گروهای مهندسی مشاور میخورد که بگوئید مادر اینجا میخواهیم یک میلیون نفر دانشجو بپذیریم که فوراً آن رقم یک میلیون نفر را ضریب آن ضرب خودشان بکنند و از شما مخارج مراحل فاز اول آنرا مطالبه کند انقلاب اداری بمعنی واقعی این است که در این موارد بتوانیم فکر واقعی بکنیم کادرهای اداری ما شکلی که هستند در قالب سازمان بندیهای جدید خودشان را نفوذ داده اند لایفک که ما خیلی اصرار داشتیم که هماننگی فعالیت انقلاب اداری بمعنی واقعی عمل بشود بدلیل همین بود که یکی از وظایف آن دستگاه عبارت بود از اصلاح روش های اداری، پیدا کردن نیازمندی واقعی سازمانی این وظیفه مقدسی است این برای من یک آرزوی بزرگی است این آن چیزی است که من میدانم اراده محکمی که امر به انقلاب اداری دارند مقصود واقعیشان این بوده است که

سازمانهای اداری ما واقعاً آن اندازه ای باشد که ضرورت دارد و هیچ نوع تخمیلی بر نیازهای اداری ما نباشد حق باشما است اگر واقعاً سازمانهای اداری ما از ضابطه ای سرچشمه گرفته منطق با انقلاب اداری استقرار پیدا کرده بود درست یا نیازمند بها و کاری که داشت نظیر و تناسب داشت من هم این را قبول میکنم که بازاء هر چند دانشجوئی که به دانشکده ای اضافه میشود بهمان میزان بزرگ کادر اداری هم اضافه بشود ولی شما اطمینان داشته باشید که سازمان اداری هیچک از این کادرهای دانشگاهی مثل بسیاری از دستگاههای دیگر و بخصوص مثل بسیاری از دستگاههای انتظامی و بازرگانی هنوز حتی تصویب سازمان امور اداری و استخدامی نرسیده بنا بر این هیچ نوع ضابطه ای وجود ندارد که شما سرانفدانشجورا حساب کنید بنا بر این در این بودجه ها توصیه انقلاب آموزشی را ندیده انگاشتند و با همان روال سابق خودشان تنظیم کرده اند و از همان سبک بودجه سل گذشته الهام گرفتند در همین مورد بوط به مقاطعه کاران من ناگزیر هستم یک تذکری زادر اینجا باز گو کنم ظاهر آ بعد از انقلاب اداری دیگر مقاطعه کار نباید جرأت آنرا بکنند که از دستگاههایی که با پول این مردم چرخشان میگردد مطالبه غرامت و مابه ازاء خدمتی بکنند که هرگز نه خدمتش را انجام داده و نه حقی بدخسارت و غرامتش دارد ولی متأسفانه زیر چتر حکومت حزبی شما یک مورد فاحشی از این نوع طفیلیانهای مقاطعه کاران دیده شد و هنوز هم حکومت شما تصمیم انقلابی نسبت بدان پرونده اتخاذ نکرده است (مهندس ارفع - در کجا؟) در شهر داری تهران (مهندس ارفع - قصاص قبل از جنایت مثل اینکه درست نیست) من خواستم تذکر بدهم شاید تذکرات قبلی که در فراکسیون حزب شما داده شد جلوی اقدامات بعدی را گرفت و این سی میلیون تومان را به نفع شهرداری تهران و مردم تهران ذخیره کرد (دکتر صدر - هنوز معلوم نیست) ولی چون هنوز بطول قاطعی گفته نشده است که این مقاطعه کار بیحقی است نه تنها بیحقی است بلکه برای تخلفات قبلی خودش باید محاکمه بشود من لازم میدانم که تذکر بخودم را بدهم (پزشکیور - تمام مقاطعه کاران اسفالت تهران و اسفالت های تهران دلیل وقوع جرم است) (دکتر صدر - خیابان پهلوی ۶ ماه پیش اسفالت شد حالا سوراخ کن کردند)

البتّه در همه موارد من فکر میکنم همه شما هم داستان هستید بسیاری از اسفالت ها اینکه افسال بر اثر ریزش عادی برف از بین رفت و خیابان ها را تهدید به بدبخت انداز هائی کرد اینها هنوز زمان تضمین قانونی مقاطعه کارانش به پایان نرسیده است (دکتر بهودی - مقاطعه کار که بدون توجه به دستگاه نظارت نمیتواند کاری بکند) بهر حال همانطور که عرض کردم من در این مورد فقط خواستم تذکری بدهم و امیدوارم در این مورد لاف در طی همین چند روزهای که مسئله بوده در پیشگاه مجلس شورای ملی مطرح است مشاهده اقدام انقلابی حزب اکثریت باشیم و به بنیم لاف لیکار بعنوان نمونه مجربان عملی را که به خزانه ملت لطمه وارد آوردند و قسمتی از آنرا به شکل اسفالتهای باطل حیف و میل کردند مورد تعقیب قانونی قرار بگیرند این است که این پرونده ای که اصل کار انجام شده اش بیشتر از ۱۶ میلیون نیست در دوزه ای که قبلا بازرسی کل کشور وجود داشته و این پرونده بداد گاههای صلاحیتدار احاله شده و در آن موقع حصر تشخیص داده شده اموال این مقاطعه کار یعنی اسفالت راه توقیف شده بعد از سالها با وجود ذلائل متقن این مقاطعه کار از چتر حکومت شما یعنی در زمان حکومت شما استفاده میکند ادعای خودش را زنده میکند برای کاری که انجام نداده ادعای خسارت میکند و برای اموالی که در زمان خودش پنج میلیون تومان تخمین زده شده متجاوز از ۴ میلیون تومان ادعای خسارت میکند.

**مهندس ارفع** - آقای دکتر عاملی هیچکس و هیچ خطای نمیتواند و حق ندارد از چتر حزب ایران نوین استفاده بکند ما معتقد به تفکیک قوا هستیم این در حق قوه قضائیه است که رسیدگی بکند که اگر حق دارد و یا ندارد روشن گردد.

**دکتر صدر** - حق ندارد، اگر هم ندارد.

**مهندس ارفع** - آن با قوه قضائیه است با ما نیست.

**دکتر عاملی** - این کاملاً صحیح است ولی بالاخره یک حکومت حزبی میتواند با اعمال خودش با اقدامات خودش نشان دهد این امر باشد که آیا خاطیان را تعقیب میکنند و آنها را بسزای خودشان میرساند یا نه؟ (مهندس

ارفع - بله میرساند) شما میفرمائید میرساند بسیار خوب این يك مورد يك وسیله سنجش متوردر دوم اسفالتهای خیابان تهران (پزشکیور - همه شهر ستانها) این موارد امروزند کرده شده شما تشریف خواهید داشت انشاءالله ما هم در خدمتان خواهیم بود اگر حکومت انقلابی شما به خواسته ها مردم که حق قانونی است که خواسته های قانونی است و عبارت است از تعقیب تجاوز کنندگان با اموال عمومی اگر در این مورد گام اصیل انقلابی برداشتید همه ما با کمال انصاف شما را ستایش خواهیم کرد (عباس میرزائی - آنوقت عضو حزب ایران نوین خواهید شد) عضویت حزب يك امر بسیار مقدسی است آقای عباس میرزائی تنها کافی نیست که ما به بنیم شما وظیفه قانونی خودتان را که بموجب آن اعتبارات را میآورید تصویب میکنید و وظیفه قانونی خود را انجام میدهند کسی بیاید و عضو حزب شما شود عضویت حزب موقعی است که اعتقاد و ایمان پیدا بکنیم که جز این راه راهی برای نجات ملت ایران نیست (دکتر بهودی - عجب صحبت هائی میفرمائید برای گرفتن يك ابلاغ عضو حزب میشوند) من آنرا اطلاع ندارم اینهم مورد دیگری است حالا که صحبت از مهندسی مشاور و مقاطعه کاران است باز تذکر دیگری در این مورد بدهم کمیسیون مخصوصی است شاید در سازمان برنامه که صلاحیت مقاطعه کاران را تشخیص میدهد و تأیید میکند که بعداً مؤسسات گوناگون فقط حق دارند با آن گونه مقاطعه کاران که صلاحیتشان تأیید شده است طرف معامله بشوند این در حد خودش بسیار تصمیم خوبی است که ما به مملکت بدست کسانی که فاقد صلاحیت هستند نیفتد و کسانی عهده دار انجام خدمات عمرانی بشوند که واقعا صلاحیت مالی و فنی را داشته باشند این بسیار صحیح است بموجب همان آیین نامه قرار بوده است که این کمیسیون سال به سال تشکیل بشود و صلاحیت متقاضیان را بررسی بکند ولی این کمیسیون چهار سال رسا متجاوز از آن است که تشکیل نشده معنی این اقدام میدانید چیست؟ ایمن است که در بسیاری از طرحهای عمرانی این مملکت در جور مقاطعه کار وجود دارد یکی آنکه میسرود با سازمان برنامه قرارداد میکنند

و پول را وصول میکنند دوم آنکه عملیات مقاطعه کارا ولی را در سطح شهرستان انجام میدهند شما مقاطعه کار دو طبقه درست کرده اید يك عده ای را در استثمار دهنده دیگری قرار داده اید (فرهاد پور - و صلاحیت همه مقاطعه کاران اسفالت را هم تأیید کرده اند) و باز در موقع طرح برنامه عمرانی چهارم جناب آقای نخست وزیر بشارتی دادند به ملت ایران فرمودند که ما امیدواریم که بتوانیم در سازمانهای اجرایی کادرهای متخصصی داشته باشیم که دیگر از خدمات مهندسی مشاور بی نیاز باشیم و من امیدوارم که در این راه لاف لیک قدم کوچک برداشته شده باشد نکته کوچکی را که باید در اینجا متذکر بشوم این است با اینکه تمام توصیه های کنگرس انقلاب اداری حاکی بود بر اینکه از دوباره کاری جلوگیری خواهد شد ولی متأسفانه هنوز فعالیتها و سازمانهایی در دستگاههای دولتی وجود دارد که حاکی از دوباره کاری است فعالیت عمران شهری در وزارت کشور عمران شهری در وزارت آبادانی و مسکن من امیدوارم آن قسمتی که موظف بود اصلاح روش بکند بالاخره در این مورد تصمیم بگیرد آیا در این مملکت آفند کار داریم که در هر شهری شهرداری دفتر فنی داشته باشد و در همان شهر وزارت آبادانی و مسکن هم دفتر فنی داشته باشد آیا اگر يك چنین کادر فنی هست نمیتواند هر دوی این مسئولیت ها را تصدی بکند فعالیت اصلاح روشها در سازمان اداری و استخدامی فعالیت اصلاح روشها در وزارت کشور با اینکه این تذکر بکرات داده شده که کاری کنید تعداد مأمورینی که بروستاها میروند هر چه کمتر باشد ولی امروز به روستاهای شما هر لحظه يك جیب دولتی وارد میشود يك مأمور دولتی میآورد در مورد گوشت بحث خاصی در کمیسیون بوده در گرفت که ما البته در موقع خودش بیش بینی آن را میکردیم وقتی بحث تأمین گوشت مملکت مطرح شد وزارت تولیدات کشاورزی مقام مسئول در آنجا توضیح داد که ما تاجر گوشت هستیم نه تولید کننده گوشت در سطح يك فعالیت امر تولید از توزیع منتزاع شده است بازار گانی اش با تهیه اش فرق پیدا کرده یکی را يك وزارتخانه انجام میدهد و یکی را وزارتخانه دیگری انجام میدهد فردا

که از او برسید که چرا گوشت تولید نکرده میگوید اعتبار آنرا تأمین نکرده اند که بخرد اینها است جلوهائی از انقلاب اداری شما باز ناگزیرم به يك تذکری بپردازم که سال گذشته هم این بحث در این سطح مطرح شد در رقم درآمدها در قسمت درآمد نظام وظیفه عمومی سال گذشته رقم ۶ میلیون ریال را داشتیم این رقم از این جهت تأمین میشود که کسانی را که نظام وظیفه عمومی نمیتواند به آنها شانس سربازی بدهد نمیتواند آنها را از امکاناتی برخوردار بکند که آموزش نظامی به بنیم خدمت مقدس سربازی را انجام بدهند چون دولت قادر نیست که به آنها حق مسلمشان را بدهد از آنها مبلغی وصول میکند تا برگ معافیت بآنها بدهد این مبلغ از اینجا تأمین میشود سال گذشته در اینجا بحث شد من گمان میکنم همه شما هم عقیده و هم داستان هستید که در قبال ۳۳۰ میلیارد ریال رقم درآمد و هزینه رقم ۶ میلیون ریال رقم بسیار کوچکی است و همه شما معتقد هستید این رقمی است که احترام به شرافت سربازی ایجاب میکند که ما از شکم بودجه در بیاوریم و از آن چشم پوشیم و مقرراتی بیاوریم که در این کشور اگر توانستیم به کسی شانس سربازی بدهیم که برود تعلیمات نظامی به بیند و خدمت مقدس را انجام بدهد که فیها ولی اگر نتوانستیم از او معذرت میخواهیم و برگ معافیت میدهم که برود پول دیگری بخواهد چه مادر این کشور اصل مقدسی را داریم میپذیریم و آن اصل این است که بسیاری از کارها و برنامه های این کشور باید از طریق خدمات وظیفه تأمین بشود ما پذیرفته ایم که برای ترویج از خدمت وظیفه جوانان استفاده کنیم برای بهداشت از خدمت وظیفه جوانان استفاده کنیم ماحتی بموجب قانون پذیرفتیم که دوشیزگان زنان را در این خدمت سهم کنیم و به آنها هم این شانس را بدهیم که بتوانند قسمتی از خدماتی را که وطن آنها انتظار و احتیاج دارد بعنوان يك وظیفه ملی بشناسند و آن را انجام بدهند وقتی ما این اصل مقدس را پذیرفتیم و در آینده باید خدمات بسیار دیگر بمقتضای وظیفه ملی از مردم طلب کنیم یعنی میخواهم بگویم که اصل وظیفه ملی اصل مقدسی است و این يك قسمت از همان سیاست پرورش

ملی است. اینگونه خدمات نشان میدهد، اینگونه خدمات معین میکند که هر جوان ایرانی احساس کند که در ساختمان این کشور، در آبادانی این کشور، در فرهنگ این کشور، در دفاع از این کشور سهم است. این تنها مسئلهای نیست که ما بخواهیم خدمت ارزاتری را از افراد بپذیریم این مسئلهای است که میخواهیم پرورش ملی ما بر مبنای محکمتر استقرار داشته باشد اگر این اصل را بپذیریم، مغایر این اصل، این است که در زمانهایی که در این کشور جهل وجود داشت، روحیه خان خانی حکومت میکرد، روحیه سود پرستی حکومت میکرد، وقتی که قانون نظام وظیفه عمومی تصویب مقامات معینی رسید مردم قدرت درک اهمیت این قانون را نداشتند دستگاههای اداری هم فاسد بودند، یک مکانیسم رشوه خورای رواج پیدا کرد که افراد جاهلی را که میخواهند از زیر بار خدمت مقدس فرار بکنند از آنها یک مبلغی رشوه می گرفتند و به آنها معافیت میدادند. در زمان خاصی کسانی که در کشور اعتقاد بمطابقی دفاعی نداشتند اعتقاد بشرافت سربازی نداشتند، اعتقادشان این بود که باید کادری از تنش را در هم ریخت و متلاشی کرد در آن زمان تصمیم گرفتند که بجای اینکه بگذارند این رشوه را من غیر رسم بگیرند این رشوه را بطریق رسمی بگیرند آمدند رسم باطل و بی اساسی را پایه گذاشتند کتبه با صد تومان بهر کس که خواست معافیت بدهند اصل مقدس بودن خدمت ملی در یک طرف این کفه، اصل جانسپین بودن رشوه در یک طرف دیگر این کفه است اینها در دو جبهه مغایر هم هستند ما کدام را قبول داریم اگر قبول کردیم که خدمت ملی را مقدس میدانیم و بموجب آن آمدیم سبایان انقلاب را تجهیز کردیم بموجب آن آمدیم خدمات ملی بانوان را تصویب کردیم پس دیگر حق ندارید عوارض بگیرید. سال گذشته این مبلغ شش میلیون بود امسال متأسفانه شده ده میلیون، این صحیح نیست ما اگر میگوئیم منافع شخصی اصل و هر کس حق دارد خدمت ملی را انجام دهد، یک ما به ازائی بپردازد و برود دنبال کار

خصوصی خودش. نوری این دنیا ممکن است این طرز فکر خیلی هم مدافع داشته باشد ولی وقتی که اخلاق این راهبیدیریم، آنوقت دیگر حق نداریم که بیائیم از یک طرف بگوئیم خدمت مقدس است و از یک طرف خاطر آن تصمیمی رازنده بکنیم که در یکی از مراحل بحرانی مملکت ما گرفته شده است، که متأسفانه کسانی حکومت را درست داشتند که بموجودیت ارتش و پابنکه باید یک ملتی از موجودیت خود دفاع کند معتقد نبودند این خاطر را نباید زنده کنیم. این اشتباه شده است و ما امیدواریم به پیش نهاد مادر این مورد توجه شود و این رفقی که متناسب با روح انقلاب نیست از شکم این بودجه خارج بشود در اینجا میخواهم بشراتی را عرض کنم و آن این است که در یادداشتهای خودم با آخرین قسمت رسیدم ولی از قسمت های مهم، راجع به سیاست درمانی، در مورد سیاست درمانی قبلا رویه ای وجود داشت طرحی وجود داشت که گرچه ناقص بود، گرچه از یک جهت انقلابی بر خوردار نبود ولی بالاخره طرحی بود باسم گسترش شبکه هم آهنگ درمانی منظور از این طرح این بود که شبکه درمانی کشور بطور متوازن و متعادلی در کشور بسط پیدا بکند در روستاها در نقاط دور افتاده بکمک واحدهای سیار بکمک گرمانگاهها مردم از خدمات درمانی برخوردار بشوند در مراکز بخشها بیمارستانهایی داشته باشیم که بتوانیم پاسخگوی نیازمندی در مانگاهها باشیم در مراکز استانها بیمارستانهای بزرگتری داشته باشیم که بتواند خدمات درمانی را در سطح تخصصی ارائه بدهند این برنامه ای بود بموجب این برنامه در آن قسمت هایی که من بیاد دارم یک بیمارستان ۲۰۰ تختخوانی برای رضاییه و یک بیمارستان ۵۰ تختخوانی برای مهاباد پیش بینی شده بود که اینها منطبق بود با فعالیتهایی که باید در زمینه شبکه هم آهنگ درمانی صورت بگیرد و البته توسعه این شبکه متناسب با نیازمندیهای کشور نبود ولی بالاخره یک طرحی بود که مکلف بودند ده سال بعد، بیست سال بعد یک زمانی این شبکه ما بر خواهد شد و ما قادر خواهیم بود که یک مریض را در هر نقطه کشور که باشد خدمت درمانی را در اختیار

نگداریم ولی طرح گسترش این شبکه هم آهنگ درمانی در زمان حکومت حزبی شما متوقف شد و از آن جمله مثل بسیاری از بیمارستانهایی که در سطح شهرستانها باید ساخته شود در مهاباد ساخته نشد (اسدی - در مغان هم ساخته نشد) این مورد عمومی است این را شما میفرمائید، اگر دوستان اکثریت همه بیان میکردند، نیازمندیهای خود را میفرمودند، در چه محلهایی قرار بود بیمارستان ساخته بشود و ساخته نشد چون تغییر سلیقه عمومی پیش آمد تمام طرحهایی که مربوط بمسئله هم آهنگ درمانی بود متوقف شد (فرهادپور - ولی وام پزشکی را دادند) بجای آن گفته استدلال کردند همان استدلالی که ما مبنای آن را قبول نداریم گفتند اگر ما امروز در یکجا بیمارستان بسازیم پرسشش را نمیتوانیم تا من بکنیم البته ما گفتیم چرا شیر و خورشید میتواند، ما گفتیم چرا سازمان شاهنشاهی خدمات اجتماعی میتواند، چرا ارتش میتواند، ولی آنها فرمودند که ما نمیتوانیم. حتی فرمودند در این کشور پزشکیها خبر ندارند که در کشورهای خارج چه حقوقهای خوبی ممکن است با آنها بپردازند اگر خبر داشتند میرفتند شاید شما هم شنیدید (دکتر طالع - این را گفتند که خبردار بشوند) (دکتر میرعلاء - خبردار شدیم ولی نرفتیم) با این بیانات و با این استدلال فعالیت گسترش شبکه هم آهنگ درمانی کشور متوقف شد تا آنجا که من اطلاع دارم که در کجاها متوقف شد اینجا بمرضاتان رساندم اگر لازم شد روی برنامه های گذشته و مقایسه آن مطالبی عرض میکنم (یزشکپور - گزارش یکساله دولت نشان میدهد در همه جا متوقف شده) از طرف دیگر گفتند ما بجای این راهی پیدا کردیم و راهش این است که بیائیم به گروههای پزشکی و خصوصی وام بدهیم که بروند و این کار را در سراسر سطح کشور تعمیم بدهند برنامه چهارم تصویب رسید مجوز پرداخت وام بدست آمد در نیمه آخر سال از مقامات مسئول پرسیدم نتیجه این برنامه شما چه شد گفتند یک عده آمدند پیشنهاد دادند تقاضا دادند ۳۸ واحد ما پیدا کردیم که با آنها میشود وام داد الان که من اینجا صحبت میکنم معلوم نیست که همان ۳۸ واحد

توانسته اند وام بگیرند کشوری بهانه دارای بخشها و روستاهای بسیار فاقد خدمات درمانی، شهرهای کوچک فاقد بیمارستان، مراکز استان فاقد بیمارستانهای تخصصی، ۳۸ واحد قرار است وام بگیرند اینست سیاست درمانی دولت این سیاست درمانی پاسخگوی هیچ چیز نیست نه پاسخگوی یک نظم انقلابی است و نه پاسخگوی هیچ امری، جناب آقای قاضی زاهد که میفرمائید تمام این تعالیم را شاهنشاه بیان فرموده اند و ما هم خوانده ایم و بیچارگی می بینیم چرا فرمانهایی که در در تلوا این کتاب هست و سر نوشت ملت ما را از بسیاری از جهات معین میکند نخوانده اند و نه بکار بستارند از آن جمله سیاست درمانی است (قاضی زاهد - و دوازده درصد رشد ملی زبازند تمام عالم است عظمت مملکت ما مورد تحسین جهانیان واقع شده است) شاهنشاه آریامهر از روش دقیق و مقتضی که برای سیاست درمانی کشور ارائه فرمودند در بیاناتی که در روز ۲۹ دیماه ۱۳۴۴ در هنگام کشایش انجمن کلبنیسین های ایران فرمودند خط مشی سیاست درمانی کشور را بطرزی که باعتقاد من دقیق تر از آن امکان ندارد ترسیم فرمودند همانطور که کارگرهای ایران بوسیله بیمه های اجتماعی از این لحاظ تکلیفشان روشن است سایر طبقات مملکت باید مشمول یک چنین بیمه هایی بشوند زارعین بشوبه خود بوسیله تشکیلات جدیدی که برای اینکار خواهیم داد یا بوسیله شرکتهای تعاونی و سایر تعاونیهایی که دادند می باید بیمه شوند همچنین سایر طبقات مردم باید بوسیله شرکتهای تعاونی خودشان و یا تشکیلات جدیدی در مقابل هر گونه امراض بیمه بشوند منتهی این تشکیلات باید یک روابط معین و مشخص با انجمنهایی تشکیل همین انجمن برقرار بکنند محاسن این کار این است که پزشکان این مملکت سعی خواهند کرد با تشخیص بهتر با مطالعه دائم عنوان خود را از لحاظ معرفت روز بروز بیشتر بکنند، من در اینجا حاصل این سیاست را که در همین نطق که با کمال دقت ترسیم شده است عرض میکنم شاهنشاه فرمودند تمام طبقات ملت تمام گروههای اجتماع آنها بیک بیمه هستند بجای خود آنها بیک نیستند باید

بیمه بشوند برای گروه‌های بزرگتر آمدی که شاید نمیتوانند حق بیمه خودشان را بپردازند باید کمک‌هایی از طریق مؤسسات گوناگون داده بشود بطوری که تمام افراد ملت بیمه باشند بعد می‌رسیم ببخش تأمین خدمات یعنی مرحله بیمه شدن يك مرحله است مرحله تأمین خدمات مرحله دیگری است که در این مورد فرمودند: مؤسسات عام‌المنفعه ممکن است تأمین کننده این خدمات باشند مؤسسات خصوصی ممکن است تأمین کننده این خدمات باشند یعنی شاهنشاه بطور دقیق سیاست درماني کشور را ترسیم فرمودند بیمه کردن همه بطوری که هیچ فردی خصوصاً با مؤسسات درماني طرف مراد نباشد مگر بموجب مقررات بیمه و بعد تأمین خدمات بوسیله هر نوع مؤسسه‌ای که بتواند خدمت ارزنده تر و صحیحتر ارائه دهد، چه وقت باید فرمانها شنیده بشود و بکار بسته شود در همین نطق با کمال صراحت هست که هیچ فردی از افراد ملت ایران در نظمیکه ما بآن معتقد هستیم نباید باشد که بموجب بیمه یا مقررات دیگری دستگاهی مسؤولیت درماني او را قبول نکنند (معزی - شنیده شده و بکار هم می‌بردند فرمایشاتشان بقدری عظیم است که باید زمان را در نظر گرفت) (دکتر طالع - بله که هم را نمیشود یکشنبه ساخت) ولی در همین چهارشنبه ۳۰ بهمن ۴۷ این خبر را همه شمار روزنامه‌ها خوانده‌اند که يك بیمار را از اندام بر میدارند از نزدیک تهران می‌آورد تهران تمام بیمارستانها می‌بازند قبول نمیکند بر میگردد بمحل خودش و فوت میکند آیا فقط فرمان برای شنیدن است یا برای بکار بستن بیانات شاهنشاه همینطور که عرض کردم در سال ۱۳۴۴ بعنوان يك منشور انقلاب بملت ایران ارائه داده شده است چه فکر و چه اندیشه‌ای کردند که مردم را بیمه کنند گروه‌های مختلف را بیمه کنند تکلیف آنها را معین کنند که هر فردی بداند که اگر حادثه‌ای برای او بوجود آمد از لحاظ درماني تکلیف خودش را بداند که بکجا برود همینطور که امروز کارگران بیمه شده تکلیف خودشان را میدانند کجا بیمه در جیشاق هست در مانگاهی که باید از آن استفاده کنند می‌شناسند و در موقعیکه ضرورت دارد می‌روند و استفاده میکنند این امر شاهنشاه بود که این خصوصیت باید برای همه باشد وقتی

این خصوصیت باید برای همه باشد این حکم يك الزامات دیگری هم دارد که آن الزامات برای این مراکز که بخش خصوصی توانائی یا رغبت رفتن با آنها را ندارد باید این وظیفه بطور منظم و مسجل بوسیله دولت انجام بگیرد یعنی این امکان ندارد که گروه خصوصی برود در معان یا مهاباد سرمایه گذاری کند آنهم با آن وضع عجیب و غریب و ام که فقط بدرد اشخاص مخصوصی می‌خورد که بروند در آنجا ایجاد بیمارستان و درمانگاه و زایشگاه بکنند و پاسخگوی همه مردم باشند پس شرط اینکه شما بتوانید افرادی را بیمه بکنید این است که لاقلاً سیاستهای نیمه خوب سابق خودتان را کنار نگذارید، سیاست درماني خودتان را کنار نگذارید سیاست گسترش بیمارستانها را کنار نگذارید گسترش درمانگاهها را کنار نگذارید این سیاستها باید دنبال شود شما میتوانید مردم را بیمه کنید البته در سطح شهرهای بزرگ ممکن است گروه‌های خصوصی بیایند سرمایه گذاری کنند و آن مؤسسات بهداشتی خدمات درماني را بخرند و به بیمه شدگان خودشان بدهند یعنی مردم از لحاظ وظیفه درماني فقط يك وظیفه خواهند داشت و آن پرداخت حق بیمه است حق بیمه را که پرداخت تکلیف آنها معلوم میشود بقیه‌اش بدست شما است بدست دولت است که در آن جاهاییکه امکان ندارد هیچ‌راهی جز این نیست که دولت مستقیماً سرمایه گذاری بکند و با انضباطی که از آن برخوردار است با همان دقتی که شیرو خورشید از آن برخوردار است و سازمان شاهنشاهی خدمات اجتماعی از آن برخوردار است با همان دقت عمل بآن مکانها هم برسد بفرستد طبیب بفرستد سایر اشخاصیکه لازم است بفرستد خدمت کنند البته اگر يك زمانی بخش خصوصی ما اینقدر توسعه پیدا کرد چه توانست در نقاط دور افتاده مرزی برود و بیمارستان ایجاد بکند ما که دعوائی نداریم اگر آنها خدمت ارزنده‌تری در آتیه ارائه دادند شما خدمت را از آنها بخرید به بیمه شدگان بدهید مجموعه این سیاست را دولت باید تنظیم بکند و اقدام دولت اقدامات ضد شهرستانی دولت جلوگیری از توسعه بیمارستانها در سطح شهرستانها امکان اجرای بیمه همگانی درماني را

سالهای سال به تعویق میاندازد (صحیح است) آنوقت میفرمائید که مانگه به نکته خواندیم و تحلیل کردیم اینجا خواندید کجایش را تحلیل کردید؟ (قاضی زاده - از صدر تا زبانش را خوانده‌ام و ۴۷۶۲ برک است) یکی از اشخاص میرزا سلمان برنامه یکی از متخصصین برنامه‌های ایران که در امر تنظیم برنامه‌های گذشته نقش فعالی داشته در یکی از سخنرانیهای علمی خودشان اشاره فرمودند دولت‌های امروز دولت‌های رفاه هستند و مجری سیاستهای رفاهی هستند ماناسیونالیستها از آنجائیکه یکی از اصول اجتماعی خودمان را سیاست رفاهی میدانیم وقتی این حرف را از یکی از مجریان سازمان برنامه شنیدیم بسیار خوشحال شدیم که بالاخره حتی در زمان حکومت حزب ایران نوین هم اصل سیاست رفاهی پذیرفته شد و یکی از مجریان برنامه بلزوم آن اشاره فرمودند (دکتر هودی - معلوم نیست که این اصل پذیرفته شده باشد) ولی بعداً وقتی اقلام بودجه را بررسی می‌کردیم بيك رقم مهمی در اجرای سیاست رفاهی بر خورد کردیم که دریغ است که شما ندانید سیاست رفاهی انگیزش بر روی خانواده است سیاست رفاهی یعنی سیاست رفاه خانواده در تمام سطوح در برنامه‌های تقدیم شده از طرف حزب شما در فعالیت مهم رفاه خانواده نوشته شده است اعتبار این فعالیت از درآمد عموم هیچ، از درآمد اختصاصی هیچ، از درآمد برنامه کسب جزء آن درآمدی است که ممکن است بدهند و ممکن است ندهند و با احتمال قوی نمیدهند ۱۶۰۰۰۰۰ ریال دولت رفاه در عصر انقلاب برای سیاست رفاه خانواده ۱۶۰ هزار تومان خرج میکند آنهم فقط برای اینکه يك کارگاه خیاطی در یارک ولیمید بسازد این سیمای سیاست رفاهی است! ولی ممکن است بفرمائید وزارت بهداشتی پس در چه قسمت فعالیت چشمگیر ویی گیرنده دارد؟ (دکتر مهدب - در بهداشت) بله در بهداشت منتهی در سطح تنظیم و بهداشت خانواده شما در این روزهای اخیر هر چه آگهی خوانده باشید مربوط باین است که قسمت تنظیم و بهداشت خانواده اشخاصی را که دارای گواهینامه نیم متوسطه باشد استخدام میکنند برای اداره واحد‌های تنظیم

بهداشت خانواده در این مورد بوضوح شدند ۲۳۳ مرکز تنظیم بهداشت ۳۳ مرکز بوسیله سازمانهای دیگر ۳۵۰ گروه سپاه بهداشت را تعلیم بدهند که در این فعالیت بسیار مهم شرکت داشته باشد در اینجا اجازه میخواهم چون بحثی است که خیلی بسهولت در آن ایجاد شده می‌کنند توضیحی عرض کنم، هیچ فعالیتی نیست که در کادر يك برنامه و وظیفه بزرگتری نباشد هیچ فعالیتی خود بخود قابل ارزش بای نیست هر فعالیتی را باید دید در قالب چه فعالیتهای عالیتری قرار گرفته و چه سیاستی را بیان میکند اعتقاد این است که، در این کشور يك سیاستی باید داشته باشیم بنام سیاست جمعیت (صحیح است) این سیاست جمعیت چه میگوید؟ این سیاست جمعیت بما اینطور میگوید که با موقعیت جغرافیائی ایران با پراکندگی جمعیت ایران که بین ۱۱ کیلومتر مربع منتهی تا ۱۷۱ نفر در کیلومتر مربع هست ما احتیاج داریم با افزایش جمعیت سیاست کل این کشور در قالب برنامه در قالب بودجه‌ها باید استقرار داشته باشد بر سیاست افزایش جمعیت (صحیح است) شما سرزمینهای بسیار پهناور و مستعد ولی فاقد جمعیت شرق ایران را سیستان و بلوچستان را که دائماً آقای پردلی در اینجا فریاد میکشد که در بی‌آبی می‌سوزد و دوستان حزب اکثریت در برابر بی‌بیاناتش که از سوز دل بر می‌خیزد و یکی از اصول سیاست ملی ایران را بیان میکند بیا يك حالت تمسخر مدارا میکنند. (دکتر طالع - خنده بخوبی میدهند) این قسمت از جمعیت ایران را شناسایی کنید، کتابهای روابط سیاسی ایران و انگلیس را مطالعه کنید يك فصل عمده این کتاب راجع به شرق ایران است در آنجا گفته شده است که چه دیپلماتهایی با چه خصوصیات راجع به شرق در ایران مطالعه کرده‌اند، تنظیم نقشه کرده‌اند در طی سالهای غلبه سیاست استعماری بسیاری از نواحی ایران را در شرق، جنوب، غرب از سکنه خالی کردند با جمعیت آنها را نابود کردند، متفرق کردند و متلاشی کردند، مبنای تر با کار و زانساند سیاسی کشف شده که حتی به کتب علمی انتقال پیدا کرده که تر باک خود بخود در ایران رواج نیافت بلکه بدست عوامل استعمار و برنامه‌های



جدیدی تفویض کنید؟ این برنامه شما، آن ارزیابی داخلی شما، آن ارزیابی خارجی شما اگر میخواهید این برنامه را داشته باشید، داشته باشید ولی در قبال برنامه رفاه خانواده داشته باشید با همه اقدامات دیگر رفاهی بکجا کنید همداستانش بکنید بگذارید اگر کسی باین درمانگاهها همراهِ میزند مادران واقعی باشند بگذارید مادرانی بیایند که بکنی آمده باشد برای دوران بارداری درس بگیرد یکی آموم باشد راجع بتکلیف بچه اش و یکی آمده باشد راجع بتکلیف زندگی بهداشتی اش از شما کمک بگیرد و دست آخر یکی هم آمده باشد که از برنامه تنظیم و بهداشت خانواده شما استفاده کند اینها اگر با هم توأم باشد برنامه ای است مفید که هدف این برنامه باید چه باشد افزایش جمعیت این صحیح است غیر از این هر برنامه دیگری که ما باید داشته باشیم برنامه هایی است غلط، انحرافی یا نتایج غلط، اگر هم نسبت به مقامات بین المللی رودر بایستی دارید من واه را به شما نشان میدهم اگر میخواهید در همه کنفرانس های بهداشت خانواده شرکت کنید و شما هم یک اظهار نظری کنید راهش آسان است بگوئید یکی از آمارهای دقیق نشان داده که در هر کشوری میزان پروتئین هر چه بیشتر مصرف شود تعداد موالیدش کاهش پیدا خواهد کرد ما این روش را پیدا کرده ایم ما هم برنامه جلو گیری از جمعیت را اجرا می کنیم شما هم آهنکی می کنیم این جوری که سطح تغذیه کشورمان را بالا ببریم و مقدار گوشت بیشتری بمردها میدهم بخورند و انشاء الله وزارت تولیدات کشاورزی تجارتش را میکند تولیدش را میکند این را میدهم بمردها بخورند مقدار پروتئین که بالا رفت آمار علمی صحیح نشان داده که تعداد موالید پائین می آید اگر واقعاً رودر بایستی دارید این موضوع را بگوئید تمام این قسمت از مطالبی را که گفتید این گزارش را هم بما بدهید (مهندس ارفع - پروتئین تنها موالید را پائین نمی آورد) شما حتماً میخواهید پائین بیاورید؟ (مهندس ارفع - شما دلیل آوردید گوشت نخورند می آید پائین) گفتیم اگر میخواهند در کنفرانس ها شرکت کنند و آن جا هم چیزی گفته باشند روی اینکه از آن قافله عقب نیفتاده باشند و حتماً دین خودشان را درباره کم کردن جمعیت جهان ادا کرده باشند بگوئید ما هم این راه را

ایجاد کرده ایم راه علمی و معقولی هم هست کسی هم ایراد نمیکند بسیار خوب اینهم بهداشت و تنظیم خانواده که گفتیم ۲۰۳ مرکز ایجاد کردند ۳۵۰ سیاه بهداشت را که برای رسیدن دردهای اصلی مردم روستاها موجب یکی از اصول مقدس انقلاب ایران گسید داشته اند بار داده اند که دست بیک عمل تخصصی بزنند برخلاف تمام موازین علمی نتیجه را در فصل سومش ملاحظه بفرمائید تعداد مراجعات ۲۷۰ هزار بار مراجعات جدید ۶۲ هزار بار بوده در قسمت سوم تنها و تنها به عملیاتی اشاره شده است که فقط در برنامه کنترل موالید از آن استفاده میکنند آن دوست عزیز من که آن جزوه ها را در اختیار من گذاشت کجاست که امروز این گزارش را به بند که میخواستند برنامه بهداشت خانواده در جهت افزایش جمعیت تنظیم بکنند ولی گزارش شما نشان میدهد که فقط شما روش های کنترل موالید را آنهم بطور غلط و غیر علمی بکار بردید ما نتیجه بگیریم از بحث و بررسی که در باره بودجه با این تذکرات که دادیم آنچه که ما تذکر دادیم سیمای یک سیاست ملی را بر اساس علم ناسیونالیسم و بر اساس خصوصیات ژئوپلتیک ترسیم میکرد اصولی را اینجا بیان کردیم که نشان میداد استقرار عدالت اجتماعی و اجرای صحیح انقلاب آموزشی و انقلاب اداری بجهت نمو ممکن است صورت بگیرد ولی آنچه را که در این گزارش ها دیدیم یک کیفیت جدیدی را نشان میدهد یک اریستوکراسی جدیدی را نشان میدهد، اریستوکراسی چه طبقه ای را نشان میدهد؟ چه گروهی را نشان میدهد؟ در کشورهای دیگر هیئت های مدیره ای هست هیئت های مدیره از کجا آمده اند بکدام سرمایه گذار جمع میشوند دور هم و میگویند ما میخواهیم در فلان امر سرمایه گذاری کنیم چند نفر از بین خودشان که میدانند انتخاب میکنند میگویند اینها امور سازمان ما را بدست بگیرند و اداره بکنند این گروه های اداره کننده تولید نازه در معرض انتقاد علمی قرار گرفته اند و امروز میگویند این گروه های تولید کننده واقعاً تولید نمیکند بلکه سلیقه مصرف کننده را هم ایجاد میکنند اینها نیازمندی ملی و نیازمندی اجتماعی را پاسخ نمیدهند

بلکه اینها سلیقه ایجاد میکنند مثلاً گروه فیلم ساز اینها نمیبینند که نیازمندی پرورش اجتماع چیست اینها اول میآیند با تبلیغات خود یک سلیقه منحرفی را در بین مردم ایجاد میکنند بعد از این سلیقه منحرفی که در مصرف کننده ایجاد کردند بهره برداری و سودجویی میکنند بآن گروه هایی که در میان سرمایه گذاران واقعی پیدا شدند چنین انتقادی را وارد میدانند ولی ما در اینجا آمدیم یک گروه هیئت مدیره ایجاد کردیم قسمتی از درآمد عمومی را بجای اینکه به یک مدیر لایق و قادر بدهیم به هیئت مدیره تفویض میکنیم بجای اینکه یک نفر حقوق و مزایا و پاداش بدهیم یک جمع حقوق و مزایا و پاداش میدهم که کار آن یک نفر را میکند (عده ای از نمایندگان - صحیح است) و دوبرابر بودجه عادی کشور را در اختیار این گروه گذاشتیم تا برای مردم ایجاد سلیقه بکنند اینها را بدنبال سلیقه شان بکشاند این آن طرح کلی است اینها هستند که سر نوشت ما را تعیین میکنند و ما را بطرف برنامه های آینده خود سوق میدهند این ما حاصل این برنامه بودجه است بودجه ای را که آن تحلی نظارت قوه مقننه است بوسیله عهده دار و وظیفه دار تر بیت المال عمومی بمصرف میرسانید ولی آن را در اختیار هیئت مدیره هایی که نمایندگان سرمایه گذاران نیستند بلکه در استخدام سرمایه گذار اصلی هستند ولی به حرفهای این سرمایه گذار اصلی توجه نمیکند و روش های خاص خودشان تنظیم میکنند و برنامه های خاص خودشان را دنبال میکنند این ما حاصل این بحث و بررسی است درباره این بودجه آنچه که در زمینه بهداشت در زمینه آموزش گفتیم تلفیق و ترکیبی است که همان گروه اداره کننده دوبرابر بودجه عمومی کشور هم سلیقه آنهاست که در جهت هم رشد پیدا میکنند در جهت هم حرکت میکند آیا شما خواستید که حزب شما چتر خودش را بر فراز یک چنین ترکیب اجتماعی برافرازد؟ اگر چنین است هیچ سخنی نیست عرض دیگری ندارم مشکرم (احسن).

**صدری کیوان** - بنام خداوند توانا با اجازه مقام معظم ریاست و نمایندگان محترم قبل از بیان هر مطلب باید خداوند، منان را سیاست گوئیم، زیرا از برکت دموکراسی واقعی و اصلی که شاهنشاه آریامهر پانادشاهی مداوم و شایسته روزی برای ما فراهم فرموده اند، اقلیت محترم در کمال آزادی و در محیطی آماده و پر از تفاهم انتقادش را میکنند و با حوصله فوق العاده اکثریت رئیس دولتی مواجه میشود که بکرات از پشت این تریبون اعلام داشته است: حاضرم جانم را بدهم تا اقلیت بتواند انتقادش را بکند (احسن) (دکتر بهبودی - فعلاً که رئیس دولت تشریف ندارند آقایان وزرا هم مطلقاً گوش نمیدهند) اکثریت اعتقاد کامل و ایمان راسخ به برنامه های دولت حزبی جنبه های روشن، مثبت، آفتابی، سازنده، مهربان و شادی آفرین بودجه را تبیین و تشریح مینماید اینها است که با افتخار فراوان باید اعلام کنیم که در این عصر خجسته و پر افتخار یعنی عصر سلطنت محمدرضا شاه آریامهر شاهنشاه عظیم الشان ایران زمین بعد از اعلامی شان و مقام و منزلت خود رسیده است، هزاران درود بپرفره رزاد طبیب حاذق اجتماعی ما باد که اینهمه نظم و ترتیب اینهمه انضباط و انجام اینهمه آزادی و دموکراسی در شئون مختلفه حیات ملی و مملکتی ما فراهم فرموده اند (احسن).

پس از ذکر این مقدمه بنده بموجب وظیفه حزبی بر آنم که تعدادی از نقاط مثبت و روشن بودجه را بر شمارم و تجزیه و تحلیل آنها همت گمارم (احسن) اما قبل از ابقاء این وظیفه از نظر اینکه دو دوست عزیزم جناب آقای یزیشکیپور و جناب آقای دکتر عاملی که هر دو از سخندانی و سخنرانی سهمی بسزا برده اند با مهارت کامل در قالب الفاظ و عباراتی موزون و زیبا تعدادی از نقاط مثبت و روشن بودجه را جزء نقاط ضعف آن قلمداد فرمودند ناگزیرم چند دقیقه اول عرایض را بگذرانم و توضیحاتی در این زمینه اختصاص دهم (احسن).

البته منظورم از این توضیحات جوابی گوی نیست چون دولت خدمتگزار حزبی این وظیفه را خوب انجام خواهد داد بلکه منظورم از این توضیحات تعقیب و هدف مشخص است یکی اینکه همکاران گرامی عفتت فرمودند

جدیدی تفویض کنید؟ این برنامه شما، آن ارزیابی داخلی شما، آن ارزیابی خارجی شما اگر میخواهید این برنامه را داشته باشید، داشته باشید ولی در قبال برنامه رفاه خانواده داشته باشید با هم همگامات دیگر رفاهی بجا کنید همداستانش کنید بگذارید اگر کسی باین در مان نگاهها مرا حه میکند مادران واقعی باشند بگذارید مادرانی بیابند که یکی آمده باشد برای دوران بارداری درس بگیرد یکی آمده باشد راجع بتکلیف بچهان و یکی آمده باشد راجع بتکلیف زندگی بهداشتی اش از شما کمک بگیرد و دست آخر یکی هم آمده باشد که از برنامه تنظیم و بهداشت خانواده شما استفاده کند اینها اگر با هم توأم باشند برنامه های است مفید که هدف این برنامه باید چه باشد افزایش جمعیت این صحیح است غیر از این هر برنامه دیگری که ما باید داشته باشیم برنامه هایی است غلط، انحرافی یا تابع غلط، اگر هم نسبت بمقامات بین المللی رود ریاستی دارید من راه را به شما نشان میدهم اگر میخواهید در همه کنفرانس های بهداشت خانواده شرکت کنید و شما هم يك اظهار نظری کنید راهش آسان است بگوئید یکی از آمارهای دقیق نشان داده که در هر کشوری میزان پروتئین هر چه بیشتر مصرف شود تعداد فرزندان کاهش پیدا خواهد کرد ما این روش را پیدا کرده ایم ما هم برنامه جلوگیری از جمعیت را اجراء میکنیم باشم هم آهنگی میکنیم این جوری که سطح تغذیه کشورمان را ~~بیشتر~~ بمقدار گوشت بیشتری برمدان میدهم بخورند و انشاءالله وزارت تولیدات کشاورزی تجارتش را میکند تولیدش را میکند این را میدهم بمردم بخورند مقدار پروتئین که بالا رفت آمار عامی صحیح نشان داده که تعداد موالید پائین میآید اگر واقعاً رود ریاستی دارید این موضوع را بگوئید تمام این قسمت از مطالبی را که گفتید این گزارش را هم بما بدهید (مهندس ارفع - پروتئین تنها موالید را پائین نمیآورد) شما جمعاً میخواهید پائین بیاورید؟ (مهندس ارفع - شما دلیل آوردید گوشت نخورند میآید پائین) گفتیم اگر میخواهند در کنفرانس شرکت کنند و آن جا هم چیزی گفته باشند روی اینکه از آن قافله عقب نیفتاده باشند و حتماً دین خودشان را درباره کم کردن جمعیت جهان ادا کرده باشند بگوئید ما هم این راه را



بنا که اینها سلیقه ایجاد میکنند مثلاً گروه قیام ساز اینها نمیبینند که نیازمندی پرورش اجتماع چیست اینها اول میآیند با تبلیغات خود يك سلیقه منحرفی را در بین مردم ایجاد میکنند بعد از این سلیقه منحرفی که در مصرف کننده ایجاد کردند بهره برداری و سودجویی میکنند بآن گروههایی گفته در میان سرمایه گذاران واقعی پیدا شدند چنین انتقادی را وارد میدانند ولی ما در اینجا آمدم يك گروه هیئت مدیره ایجاد کردیم قسمتی از درآمد عمومی را بجای اینکه به يك مدیر لایق و قادر بدهیم به هیئت مدیره تفویض میکنیم بجای اینکه يك نفر حقوق و مزایا و پاداش بدهیم يك جمع حقوق و مزایا و پاداش میدهم که کار آن بکنفران میکند (عده ای از نمایندگان - صحیح است) و دو برابر بودجه عادی کشور را در اختیار این گروه گذاشتیم تا برای مردم ایجاد سلیقه بکنند و اینها را بدنبال سلیقه شان بکشاند این آن طرح کلی است اینها هستند که سر نوشت ما را تعیین میکنند و ما را بطرف برنامه های آینده خود سوق میدهند این ما حاصل این برنامه و بودجه است بودجه ای را که آن تخت نظارت قوه مقننه است بوسیله عهده دار و وظیفه دار تر بیت المال عمومی بمصرف میرسانید ولی آن را در اختیار هیئت مدیره هائی که نمایندگان سرمایه گذاران نیستند بلکه در استخدام سرمایه گذار اصلی هستند ولی به حرفهای این سرمایه گذار اصلی توجه نمیکند و روش های خاص خودشان تنظیم میکنند و برنامه های خاص خودشان را دنبال میکنند این ما حاصل این بحث و بررسی است. درباره این بودجه آنچه که در زمینه بهداشت در زمینه آموزش گفتیم تلفیق و ترکیبی است که همان گروه اداره کننده دو برابر بودجه عمومی کشور هم سلیقه آنهاست که در جهت هم رشد پیدا میکند و در جهت هم حرکت میکند آیا شما خواستید که حزب شما چتر خودش را بر فراز يك چنین ترکیب اجتماعی برافرازد؟ اگر چنین است هیچ سخنی نیست عرض دیگری ندارم متشکرم (احسن)

رئیس - آقای صدری کیوان بعنوان موافق صحبت میکنند بفرمائید.

صدری کیوان - بنام خداوند توانا با اجازه مقام معظم ریاست و نمایندگان محترم قبل از بیان هر مطلب باید خداوند منان را سپاس گوئیم، زیرا از برکت دموکراسی واقعی و اصلینی که شاهنشاه آریامهر پادشاهای مداوم و شبانروزی برای مسافرت فرموده اند، اقلیت محترم در کمال آزادی و در محیطی آماده و پر از تفاهم انتقادش را میکنند و با حوصله فوق العاده اکثریت و رئیس دولتی مواجه میشود که بکرات از پشت این تریبون اعلام داشته است: حاضریم جانم را بدهم تا اقلیت بتواند انتقادش را بکند (احسن) (دکتر بهبودی - فعلاً که رئیس دولت تشریف ندارند آقایان وزرا هم مطلقاً گوش نمیدهند) اکثریت با اعتقاد کامل و ایمان راسخ به برنامه های دولت حزبی جنبه های روشن، مثبت، آفتابی، سازنده، ثمر بخش و شادی آفرین بودجه را تبیین و تشریح مینماید. اینجا است که با افتخار فراوان باید اعلام کنیم که در این عصر خجسته و پر افتخار یعنی عصر سلطنت محمدرضا شاه آریامهر شاهنشاه عظیم الشأن ایران زمین بحداعالی شأن و مقام و منزلت خود رسیده است، هزاران درود بدرقه راد طیب حجازی اجتماعی ما باد که اینهمه نظم و ترتیب اینهمه اضیاط و انسجام اینهمه آزادی و دموکراسی در شئون مختلفه حیات ملی و مملکتی ما فراهم فرموده اند (احسن)

پس از ذکر این مقدمه بنده بموجب وظیفه حزبی بر آنم که تعدادی از نقاط مثبت و روشن بودجه را بر شمارم و تجزیه و تحلیل آنها همت گمارم (احسن) اما قبل از ابقاء این وظیفه از نظر اینکه دو دست عزیزم جناب آقای پزشکپور و جناب آقای دکتر عاملی که هر دو از سخندانی و سخنرانی سهمی بسزا برده اند با مهارت کامل در قبالب الفاظ و عباراتی موزون و زیبا تعدادی از نقاط مثبت و روشن بودجه راجع، نقاط ضعف آن قلمداد فرمودند. ناگزیرم چند دقیقه اول عرایض را بذکر توضیحاتی در این زمینه اختصاص دهم (احسن).

البته منظورم از این توضیحات جوابگویی نیست چون دولت خدمتگزار حزبی این وظیفه را خوب انجام خواهد داد بلکه منظورم از این توضیحات تعقیب و هدف مشخص است یکی اینکه همکاران گرامی عنایت فرمودند



که جناب آقای یزشکیور ضمن بیست و یک ساعت خودشان چند دفعه متوالی این مطالب را متذکر شدند که سخنگویان اکثریت در گفتار خود به آن توضیحاتی برسختان ایشان رقم زبند و چون مادرزی اکثریت روال کارمان احترام و مهرورزی نسبت باقلیت محترم است لازم بود که باین خواست لیدر محترم گروه پارلمانی بان ابرائیس جامعه عمل ببوشانم. (احسن است) دوم اینکه همانطور که معروض افتاد تعداد زیادی از نقاط روشن بودجه بعنوان نقطه ضعف معرفی شده که ما وظیفه داریم آنها را احیاء کنیم زیرا مقادیری از ماخذ و منابع و یا بگفته امروزها خوراک اکثریت را بلااستفاده نموده اند. (دکتر بهبودی - شادی آفرین است) حوصله داشته باشید ما ساعتی نشستیم فرمایشات دوستان اقلیت را گوش دادیم و شما هم عنایتی بفرمائید. اگر فرمایشات جناب آقای یزشکیور را مورد بررسی قرار دهیم خواهیم دید که شامل سه قسمت اند در قسمتی از آنها تعدادی از وزارتخانه ها و مؤسسات دولتی را مورد احترام و حشمناسی قرار داده اند که ما از این حسن نطن ایشان کمال امتنان را داریم (احسن است) در قسمتی هم گزارشات وزارتخانه ها را مورد انتقاد شدید قرار داده اند که چون همواره بنای اکثریت بر ایجاز است بصورت فشرده و مختصر توضیحاتی بر عرضشان از طرف اکثریت خواهد رسید و اما در قسمت سوم که باید گفت قسمت اعظم گفتار و مضامین فرمایشاتشان به آن اختصاص دارد جناب آقای یزشکیور قبل از اینکه بودجه را مورد نقد و بحث قرار دهند حزب اکثریت و فعالیتهای چشم گیر و همه جانبه آنرا مورد انتقاد قرار داده اند. البته بنده به این عمل ایشان از جنبه منفی قضیه نگاه نمیکنم که خدای نکرده عرض کنم پیشرفت های روز افزون، فعالیت های چشم گیر، گسترش های بیمانند، موفقیت های روز افزون مخصوصاً در چندماه اخیر و بالاخره اقبال بی نظیر عمومی موجب کم مهوری ایشان نسبت بحزب اکثریت شده است معاذ الله که چنین قصدی داشته باشم. (احسن است، احسن است) بلکه از جهت مثبت موضوع عرض میکنم از اینکه دوست ما قسمت اعظم وقتش را مصروف انتقاد از حزب ما نمودند آنرا دلیل عظمت و اهمیت حزب میدانیم و از

ایشان متشکریم زیرا همواره افراد و اشخاص و جمعیت های که در دنیا منشأ اثرند مورد انتقاد قرار میگیرند. (صحیح است) دوست عزیزم جناب آقای یزشکیور در آغاز فرمایشاتشان فرمودند: بحث و بررسی امروز بنده در باره بودجه دولت نیست بلکه بحث و بررسی درباره حزب است که اکثریت مطلق را دارد. باید حضورشان عرض کنم که بررسی برنامه های متعدد و متنوع حزب پاسدار انقلاب که همه با الهام از تعالیم حکیمانانه پرچم دار عالیقدر انقلاب ترسیم و تنظیم شده (صحیح است) و نتایج چشم گیر و درخشانی داشته است (صحیح است) به این سادگی نیست زیرا برنامه حزب ما باید از جهات متعدد سیاسی - اجتماعی - اقتصادی - ملی - مملکتی و چندین جنبه دیگر مورد بررسی و مطالعه قرار گیرد و ساعتها نطق و گفتار شما بلکه روزها کافی برای این بررسی نیست (صحیح است) زیرا وقتی سخن از برنامه حزبی که با اقبال عمومی روبرو شده و در سراسر مملکت از دشتهای حاصلخیز شمال تا کرانه های خلیج فارس و از صحنه بین دست دلبران کرد تا ماوای مزدداران شرق گسترده شد از جهات مختلف اقتصادی - سیاسی و اجتماعی، برون مرزی و درون مرزی و خیلی موارد دیگر باید مورد بحث و تحقیق قرار گیرد و نباید از زاویه دید وسیعتری به آن نگاه کنیم (یزشکیور) مگر شما برون مرزی هم دارید این را که آقای جوانشیر قبول نداشتند) کوتاه سخن آنچه در این مورد باید عرض کنم اینست که در آخرین تحقیق هدف نهائی و کلی حزب ما تا این زندگی بهتر برای همه است (صحیح است) که برای نیل باین هدف عالی برنامه ریزی همه جانبه ای کرده ایم و در معیت دولت حزبی خود این برنامه ها را قویاً تعقیب میکنیم تا به هدف نهائی و غائی خود برسیم (صحیح است) (احسن است) دوست عزیزم ما امید فراوان داریم که بر اساس این برنامه ها که از هر کلمه آنها وطنخواهی و آرمانخواهی و از هر جمله آنها تحریک ریش جوئی اقتصادی و از هر عبارت آنها آئینده نگری و از مجموع آنها بهزیستی و سعادت و سلامت مستفاد میشود بودجه ها و برنامه های چند ساله

متعدد تقدیم پارلمان کنیم و آنوقت جنابعالی هم با بیان شورای خود آنها را مورد نقد و بررسی قرار دهید. (صحیح است) جناب آقای یزشکیور فرمودند: «حزبی که خود را سازنده نظام اجتماعی میدانند باید کلیات اصول فکری و مرامیش در کلیه شئون مملکتی نمودار داشته باشد... و در آخر مقال فرمودند من از سخنرانان اکثریت میخواهم که اصول فکری و مرامی خود را بیان کنند در این مورد هم چون بنای ما ایجاز است (یزشکیور) ما بلیم که به تفصیل بیان بفرمائید خیلی مختصر خدمتشان عرض میکنم که اصول فکری و خطوط اصلی مرامی ما همان هدفهایی است که در کتاب مقدس انقلاب سفید ایران از طرف رهبر داهی انقلاب مورد عنایت قرار گرفته است (در این موقع کتاب انقلاب سفید را ارائه دادند) و هر شخص با انصافی تصدیق خواهد نمود که نقوش درخشان و ثمربخش این اصول فکری و مرامی در شئون مملکت بخوبی دیده میشود (صحیح است، احسن است) فرمودند بودجه باید هدف داشته باشد بنده وقتی دوست عزیزم این مطلب را عنوان فرمودند خیلی تعجب کردم زیرا با دقت نظر و تیزبینی که در ایشان سراغ دارم و نمیدانم چطور موقع مطالعه و بررسی بودجه نتوانسته سمت و هدفهای متعدد و متنوع دولت را که از: بنصره ها، طبقه بندی درآمدها، طبقه بندی مخارج، برآوردها، موضوع های کلی، وظیفه ها، اجراء وظیفه ها، ردیف ها، طرح ها و برنامه ها بخوبی مشهود است ملاحظه فرمایند چون در متن بودجه از این نظر بحث میکنم فقط فعلاً خدمتشان عرض میکنم - جناب آقای یزشکیور در بودجه ۱۳۴۸

کنم چیزی نفرمودند و برای گفتار من در این مورد خوراکی فراهم نکردند معذمان خدمتشان عرض میکنم که بودجه سال ۴۸ علاوه بر اینکه در کلیه قسمت های خیلی روشن و گویا است باید گفته شود که این بودجه کو پانزین معیار سلامت و قدرت اقتصاد و شئون دیگر حیات جامعه ماست (صحیح است) البته در بحث کلیات بودجه شواهدی در این مورد عرض خواهم کرد.

دوست عزیزم اشاره بمقدمه فرمایشات جناب آقای نخست وزیر فرمودند و آنرا بدو قسمت اساسی تقسیم کردند و گفتند با یک قسمت از فرمایشات جناب آقای نخست وزیر که اشاره شده از نظر خارجی ادامه سیاست مستقل ملی تعقیب شده است موافقم ولی این پیروزی، پیروزی دولت حزب اکثریت نیست بلکه پیروزی رهبر انقلاب است ما از ایشان متشکریم که در این قسمت مترجم و مبین عقیده اکثریت بوده اند زیرا لازم است حضورشان عرض کنم که حزب اکثریت نه تنها پیروزی سیاست مستقل ملی را پیروزی رهبر عالیقدر انقلاب میدانند، بلکه معتقد است آنچه در این مملکت تحول و تطور و دگرگونی در طریق منافع ملت شده، آنچه در این مملکت پیشرفت ترقی، تعالی، پیروزی، بهزیستی، سعادت داریم آنچه در این مملکت از ثبات سیاسی و امنیت و استقلال اقتصادی داریم آنچه برای این مملکت حیثیت بین المللی کسب شده همه و همه از برکت وجود شاهنشاه و پیروزبهای رهبر عالیقدر انقلاب است (صحیح است، احسن است) همکاران اجازه بفرمائید بنیاس این پیروزی ها از زبان دل همسای شما پیشگاه شاهانه عرض کنم.

دیر زیاد آن بزرگوار خداوند  
جان گرامی بجایمی آندر پیوند  
(احسن است - احسن است)  
دوست عزیزم چون جنابعالی اشاره به نطق تاریخی شاهنشاه در دانشگاه هاروارد فرمودید و بنده هم ضمن عراض اشاره بحیثیت بین المللی مملکت کردم مطلب جالبی در این مورد دارم که با اجازه همکاران عرض میکنم همکاران گرامی استحضار دارند تابستان گذشته برای

دل هر خرج را که بشکافی  
هدفی در میان آن بینی  
(احسن است، احسن است)  
فرمودند بودجه گویا نیست، آرمانخواه نیست و دنباله این بحث فرمودند شواهد زیادی بر گویا نبودن بودجه دارم که بعداً عرض میکنم: بنده هر چه انتظار کشیدم که شاید یک مورد از آن موارد را طی فرمایشات ۹ ساعته خود بیان فرمایند تا من بتوانم توضیحی برای آن تهیه

ببینند که شاهنشاهی - مملکتش - نظم شکوهمند پادشاهیست تا این حد مورد تکریم و احترام ممالک خارج است و افعاً مباحی میشود (صحیح است - احسنت) و افعاً سر افرانز میگردد (صحیح است) در خاتمه این مقال با افتخار فراوان عکسها را تقدیم مقام معظم ریاست مینماید.

### ۳- تعیین موقع جلسه آینده - ختم جلسه

رئیس - آقای صدری، کیوان بیانات جنابعالی طولانی است؟

صدری کیوان - اگر اجازه بفرمائید ادامه دارد.

رئیس - چون چهار ساعت بعد از ظهر جلسه داشتیم با اجازه خانمها و آقایان جلسه را ختم میکنیم جلسه آینده ساعت ۹ صبح روز سهشنبه موکول میشود.

(ساعت هشت بعد از ظهر جلسه ختم شد)

رئیس مجلس شورای ملی - عبدالله ریاضی

مطالعه در حقوق جزای آمریکا هفتاد روز از ایالات مختلف آن بازدید بعمل آوردم. در دانشگاه هاروارد با یکی از استادان حقوق جزا برای من صاحبهای گذارده بودند پس از اینکه یکساعت درباره فبانی حقوق جزا و مکاتب مختلف آن بحث کردیم وقتی میخواستم ایشانرا ترک گویم فرمودند کمی تأمل کنید تا هدیهای شما بدهم پس از چند دقیقه چند قطعه عکس از مراسم اعطاء درجه دکتری افتخاری و سخنرانی شاهنشاه و نطق شاهنشاه را برای من آوردند ایشان یکی از عکس هارا بمن نشان داد و گفت به این عکس خوب توجه کن که حضار بیما خاسته اند و برای شاهنشاه شما کف میزنند بدانید این صحنه شکوهمند و بی سابقه متجاوز از ده بار در طول فرمایشات شاهنشاه شما تکرار شده است ملاحظه بفرمائید کسی هزارها کیلومتر دور از دیار و وطن مألوف